



آرشيو فعالين جنبش نوين کمونيستي ايران

آزاد نخواهد روشن شده و هرده از روی سادگی و جنایات و ساحتی امیرالایمن که در این جنگ فتنال میگردد ، گرفته خود

ما اینک در شرایطی قرار داریم ، که گردنستان قهرمان پس از ۲۰ سال مبارزه عادلانه با بیگری خون - چکان و هنوز هم در برابر بیورش امیرالایمن به مقاومتی قهرمانانه ایستاده است اگر چه حضور نیروهای فیر - پرولتری در رأس این مبارزه امیرالایمن را سارنگس باقیات رسانده که وجود رهبری پرولتری از اساسی - ترین عناصر پیروزی مبارزات خود را در شرایط ملطه امیرالایمنی است و هیچ نیروی دیگر اجتماعا نمیتواند جایگزین این رهبری شده و انقلاب را به پیروزی رسانده

با توجه به اوضاع کنونی است که ولایت سگینی بر دوش ما قرار گرفته است و طبعاً انجام بخشی از این ولایت که به بیج روی نباید دستکم گرفته شوندند ، بجهه رفقای انقلابی ما در خارج از کشور متوجه میگردد ما کماکان به اهمیت مبارزات رفقا و تمامی نیروهای انقلابی خارج از کشور که در فضای چهارگانه کریمه امیرالایمن - که با مالک آزادی و حقوق بشر از انظار بسیاری از جهانیان پوشیده است و قلمی آنکه در همین راستا ، ما بستی عملکردهای رژیم وابسته به امیرالایمن جمهوری اسلامی را بطرق گوناگون برملا کرده و اخبار جنبش خلقمان بگوش همه جهان رسانده خود البته تمام وظایف جنبش دانشجویی را برافروارد فوق نمیتوان و شاید بهتر خلاصه نموده امروزه ولایت سگینی در پاسخ به مسائل نظری جنبش خلقمان و توضیح و تشریح شورای مبارزه مسلحانه و نیز متفکران کردن دانشجویان و ایرانیان خارج از کشور گردآوری امکانات مبارزاتی هرچه بیشتر برای تسهیل مبارزه در

داخل ایران ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است که ما بستی مورد توجه رفقا قرار گیرد رفقا ! امروزه با بستی ما بین امر توجه کافی مسئول گردید که هر حرکت انقلابی که در پی پاسخ به ضرورت های نگاه تاریخی باشد ، نمیتواند با آگاهی و تشکل همراه نباشد تشکلی که با توجه به اهداف انقلابی و برای انجام وظایف تاریخی - مشخص ایجاد شده و در بستر مبارزه ، از انجام روز افزونی برخوردار گردیده زیر نیروهای پیش بر انقلاب در عصر امیرالایمن ، سر زسته شرایط مادی زیست خود که جز با تشکل آگاهانه نمیتواند به اهداف انقلابی خود دست یابد مبارزات دانشجویی خارج کشور ، که خود انعکاسی از عملکرد تفاد اعلی جا مده ما یعنی تفاد خلق و امیرالایمن است - تعدادی که در میان سرجاه سگینی گسترش دارد - بجهه بخشی از مبارزه تشکلی طقمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، که ما باید مورد توجه هرچه بیشتری قرار گرفته و در جهت هموشی آن با مبارزه بی امانی که در داخل ایران جریان مییابد ، کوشش بیشتری میدول گردد صلحاً تلاشهای شما رفقا بار آور شده و سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن آمریکا با انجام بیشتر و وحدتی هرچه عمیقتر به مبارزات انقلابی خویش تدوم خواهد شد بخشی

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدایی خلق ایران
(روشن راه شمشیر خلقهای ایران)

در اهتزاز باد پرچم نوین چریکهای فدایی خلق

جنبش خلق کرد و مبارزه ضد امپریالیستی

سرمایه دلسال و مبارزه خونین و حماسه آمیز خلق رزمنده کرد بر علیه رژیم جمهوری ملامی میگذرد. این پیرویه و مبارزات زحمتکشان کردستان در ادامه مبارزه طولانی آنها بر علیه امپریالیسم و نوکراسی داری ویزگیبه جهت آوردن نقض طبقه و قومی است که شاید تا کنون چنین شکل روشن و صریح در مقابل جنبش خلق کرد مطرح نگردیده بود.

بی شک پنج سال کارنامه سرخ دلوریها و زحمتان گذشتگی های مردم کردستان که در عمل بر خاستگی مبارزان امپریالیسم و ملاح بنسنت هر خانه ایشان را به سنگری از جبهه جنگ انقلابی تبدیل کردند برکنی پوشیده نیست. مصادقات تاریخ این پیرویه مملو از تصویرهای بی مانندای است که خونهای شگفت زده بر لبها و رگهای سوراخ سوراخ شده شهرها و خانه های ویران گشته پشه های اجساد کودکان و زنان بی مردان و بیوزنان و... اقدام زخمین و اقدام دوستیابی با ری کننده طبقه سرمایه داری است جمعی و... را می نماید امروز مسئله این نیست که شرکت در جنبش خلق کرد چه وظایف مبارزاتی نیروهای انقلابی است. مسئله این نیست که باید در مقابل دشمن تا به دندان مسلح خلق در پیشا - پیش خلق کرد به دشمن یورش برد. بلکه مسئله این است که چگونه میتوان جنبش را از جنگ فریاد و محدود در کردستان که رژیم گوشه در به جنبش خلق کردتحویل کند خارج کرد؟ چگونه میتوان وسایل و شرایط را بر آورد تا رژیم را هر چه بیشتر مورد تیریه قرار داد؟ چگونه میتوان توده زحمتکش کردانسته به سیاست غیرپروولتری حاکم بر جنبش که عملا مبارزه جاری را به یک مبارزه عوامی گشایند است آگاه گرداند و... تحویل جامعه ایران و تفاد امای جامعه نشان میدهد

که جنبش خلق کرد قبل از آنکه یک جنبش ملی باشد یک جنبش ضد امپریالیستی است که بر اساس تفاد مبین خلق و امپریالیسم آغاز به حرکت و ادامه مبارزه خود داده است و بر این مبارزه خواسته دمکراتیک لیگوری همچون خودتاری افزون گشته و جنبش خلق کردرا از پیوستگی خود برخوردار کرده است. روشن کردن این مسئله اساسی یعنی سرنگونی مملکت امپریالیسم و برکناری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر به مثابه پیش شرط بنسنت آوردن حق تعیین سرنوشت و همچنین تعیین کردن راه و چگونگی مبارزه و سازمان ضروری این مبارزه برای نابودی امپریالیسم و طبقه نیروهاست و پیوستگی نیروهاست است که از این جنبش خلق کرد در طول یک پیرویه مبارزاتی وجود آمده اند.

روشن کردن این طبقه اصلی مبارزه یعنی مبارزه بر طبقه مملکت امپریالیسم، ضمیمه و عدالت زحمتکشان کردستان را به زحمتکشان سایر جامعه در مقابل دشمن مشترک گسترش خواهد داد. آگاهی توده ها نسبت به داشتن دشمن مشترک و راه اصلی مبارزه بر طبقه آن وحدت عملی مبارزاتی توده ها را موجب گشته و دیگر مسائل دمکراتیک در این چهارچوب قابل حل شده. خلق کرد تنها زمانی که دولت دمکراتی نوین حاکمیت یابد می تواند به خواسته ملی خود دست یابد و این امر نیز پیوستگی رهبری پروولتری پرچمیش را مکان پذیر نخواهد بود.

اگر جنبش خلق کرد نتواند وحدت مبارزاتی خود را با مبارزات زحمتکشان سایر ایران بوجود آورد، و چنانچه رهبری این مبارزه به دست پروولتاریا نباشد آنوقت جنبش به شکست کشیده خواهد شد. نیروهای سیاسی مدعی رهبریت این جنبش خلق کرد برای حصول آزادی و دمکراسی مبارزه میکنند می بایست به توده ها توضیح دهند که

آزادی چگونه بدست می‌آید؟ تحول دمکراسی در جامعه چگونه امکان پذیر است و تحت رهبری چه طبقه‌ای این امر امکان پذیر است؟ برنامۀ آزادی برای هدایت جامعه بسوی آزادی بنا بر سرپیما و ستمی چیست؟ آنوقت توده‌ها در پراشیک عینی مبارزه درخواهند یافت که واقعاً چه کسی حصول آزادی می‌خواهد و چه کسی خواهان حاکمیت یافتن بورژوازی کرد. سر خلق زحمتکش کرد است؟ عدم یکه برنامۀ روشن ما اشتراکی و تاکتیک مشخص متکی بر مارکسیسم - لنینیسم از جانب این نیروها، به علاوه دید محدود ما آنها را بسیار قوی می‌سازد. البته باطن مبارزه انقلابی خلق کرد را در جمل و جوش خود محسوس می‌کند. نتیجۀ آنکه ضمن هدایت آن در جنگی نابرابر در پیرویه یکه جنگ فرمایشی قرار می‌دهد و علامه زمانه‌ای خواهد بود که کافی الحاق ارتداسیون منطقه دست به دست یکدیگر داده و همان پس سر خلق کرد آورند که تا بحال جنبین با آورده اند و اما مسئله مهم این مرحله از جنبش ما مسئله چگونگی پیشبرد جنبش شد. امپریالیستی و بلطیج فدرت‌نشین به جنبش خلق کسریو رشد و گسترش آن می‌دهد، در پاسخ به چنین مسئله‌هایی بود که چریکی‌های فدائی خلق ایران (آزاد) در سال ۶۰ نظریه گسترش جنگ انقلابی و آزادی مناطق را مطرح کردند و بعنوان سرآغاز مشخص و عملی آن کسریو از انقلابی جنبه شمال را آغاز کردند. واقعیت عینی ما در روزه در جامعه ما و وضعیتی که گریبان اکثر نیروهای سیاسی جامعه و جنبش توده‌ای را بویژه بعد از خرداد ۶۰ گرفتار داشت این نظریات را ثابت می‌کند. به نظر ما تا ریخ مبارزه ضد امپریالیستی زحمتکشان ایران با اندازه کافی گواهی میدهد که جنبش تشکیلاتی صحیح انقلاب ایران، شورب مبارزه مسلحانه هم اشتراکی و هم تاکتیک می‌باشد. «مروزی» کمیونسزد مبارزه ضد امپریالیستی باید جنگ چریکی روستایی را سازمان داده این جنگ که توسط سازمانهای پنهان‌هنگ آغاز میگردد در پیرویه حرکت خود با آزاد کردن مناطق و تبدیل آن به مناطق سرخ و تشکیل ارتش خلق و گسرد

کردن ذره ذره ارتش امپریالیستی سرانجام حاکمیت امپریالیسم را نابود خواهد کرد. اجتناب از قبول این نظریه نه یکه خطای شوربیک بلکه بنا بر «مروزی» امپریالیسم و دور شدن از مارکسیسم - لنینیسم است. اکنون رژیم جمهوری اسلامی با دادن اولتیماتیم به روستائیان کردستان در رابطه با تخلیه روستاها و پناه دادن این مناطق، در واقع کوشش دارد که جنبش خلق کرد را مورد تهاجمی وسیع تر قرار دهد. در کنار این تهاجم رژیم قرار داده‌ها نیز با رژیم مزدور ترکیه - برای سرکوبی زحمتکشان کردستان بسته است. هدف رژیم این است که به زعم خود آخرین بخش با لعل جنبش توده‌ای را نیز خوار سازد.

آیا در مقابل این تهاجم رژیم میتوان صرفاً در کردستان با رژیم معاف داد؟ و آیا میتوان صرفاً دفاع ورده‌هاست و با در واقع این پنهان‌هنگ انقلابی است که میراثیست اشتراک عمل جنگ را در دست داشته باشند و جنگ را در سرمد ها شریکه رژیم سرمد سرمد پذیرند. اما مسئله و تحمیل کند. اگر این پنهان‌هنگ است که میراثیست مبارزه انقلابی را رهبری کند، آیا برای انجام این وظیفه ضرورتاً نباید با گسترش جنگ و آغاز نمودن جنبه نوین رژیم را مورد تهاجم قرار دهد و ازین طریق جنبش را هرچه بیشتر رشد دهد و نه آنکه صرفاً در موضع تهاجمی در مقابل بورژوازی دشمن باشد.

بنا بر این پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی برای سرکوبی رژیم جمهوری اسلامی و کمک به جنبش خلق کرد با هم گره خورده اند. کمک به جنبش خلق کرد چه از نظر سیاسی و چه از نظر نظامی یعنی پنهان‌ورتر کردن میدان عمل مبارزه مسلحانه سرعلیه دشمن یعنی دشمن تا به دندان مسلح را در صحنه‌های وسیعتری به جنگ طلبیدن یعنی تقسیم نیروی دشمن و خرد کردن تدریجی آنها. بنا بر این بطور ظاهر و صریح باید گفت جنبش خلق کرد علیرغم تهاجم مبارزات و دلاوریهای علیرغم جدی و ویژه اش در مبارزه ضد امپریالیستی زحمتکشان ایران، علیرغم هم همه دستاوردهای آن و ... در شرایط فعلی دارای یکه بلایه در صفحه ۴۳

بن بست رژیم و هشدار خمینی

رشد بحرانهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در جامعه و تأثیر این بحرانها در تمام شئون زندگی اجتماعی و نیز تأثیرات آن در قدرت حاکمه و با گذشت حدت باسی تنها نهادهای نیروی جناحهای مختلف در دولت گشته و در نتیجه درگیری چه این مختلف نیروی حاکمیت عملی میشود.

بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی توسط امیرالمؤمنین و در روسته های مختلف و بسته به امیرالمؤمنین در این حاکمیت شرکت داشتند. تمامی این دارو روسته ها خواهان مرکبش جنبش امیرالمؤمنین رحمتکشان و حفظ و تحکیم مملکت امیرالمؤمنین بوده و در این امر با هم وحدت داشتند پس از قیام ۱۳۵۷ که مبارزات شوقه ها برای کسب حقوق خود هر روز ادامه و بیشتری می گرفتند و در این پرونده آنها در عمل به ماهیت جمهوری اسلامی پی می بریدند و در روسته های نیروی حاکمیت در برچورد به این وضعیت و مرکب امیرالمؤمنین مبارزات و آلتزنا تبهوهای متفاوتی را طرح کردند و هر دارو روسته ای برای خود راه حل مشخصی را ارائه میدادند اختلاف در چگونگی مرکبها پیش گرفتند از یکدیگر برای حفظ منافع امیرالمؤمنین بر بستن تفاذهای منافع آنها و کار را به تعطیل ها در نیروی حاکمیت کشانده تعطیل گران جریانها از سرپردهگان بودند که با خواست امیرالمؤمنین در رأی قدرت قرار می گرفتند هم اکنون نیز با گذشت بیش از پنج سال از سرکار آمدن رژیم جمهوری شاهد درگیری دارو روسته های نیروی حاکمیت می باشیم.

اخیرا با عملی شدن این درگیریها و دوباره خمینی مزدور و طبقه هشدار دادند که هر دو جریان و نیز وحدت در آنها را بنبسته گرفته است و در همین رابطه در سخنرانی اخیر خود می گویند:

"اینکه من همیشه عرض می کنم که همه آقایان در هر جا هستند چه فدای پلاد ایران و چه اشعه جمعه و جماعات و چه مجلس محترم شورای اسلامی و چه دولتمردان اینجا همه دست به دست هم بدهند تا اینکه این بار را بتوانند به مقصد برسانند برای این است که یک گله ها را از هم دارند یک شقایق برپوشند البته تذکرش خوب است اما های و هوی خوب نیست استقامت جوین خوب نیست باید ما در فکر اسلام باشیم اگر در فکر خودمان هم هستیم اگر فکر منافع خودمان هم هستیم باید فکر اسلام باشیم که اسلام منافع ما را تأمین می کند.

..... یک وقت مخصوص هست - این طرف می خواهد و را بگوید آن طرف می خواهد" و بگوید (کیهان جنبه ۲۰ - مرداد ۱۳۷۳)

و معنی دارد که مسئله وحدت دارو روسته ها را حیل منافع خودمان و فکر اسلام عملی سازد و این تلاش غمینی در واقع بیان جدت تفاذهای دارو روسته های موجود می باشد. همین خشی پیرامون تا کتیکه و شیوه ها می که گروههای درگیر کشمکش نیست می گیرند و سعی می کنند تا بوسیله آن دیگری را تحت فشار قرار دهند سخن میرسد آنچه کتبند!

"..... ما جایز نمی دانیم که یک دسته مردم بیگناه را برده رند از یک طرف به یکطرف دیگر ببرند (منظور هوامیانی ریاضی اخیر است) ... لکن در این مورد ایران گفته است تهریف کرده از اینها می که رسیده است چیز را و آنها که گفته این یک چیز غلط است پس باید جلوی گرفتار خود از یک طرف به یک دسته ... می گذاری می کنند و (همانجا - پراکنشگران مسامت)



به بیان واضح تر و زبان آدمیزاد خمینی می گویند: باید جلو جناحی که سعی می کند با شلیخ و لقیاع از هوا بیچاره بشی و بین گذاری و سیاستهای از بس قیل چوب لای چرخ رقیب لیگ بگذارد گرفته شود.

نکته مهم این است که اگر چه دارونده های فرگیر کشکش پیرمون مثل ملی همچون چگونگی رابطه اقتصادی با کشورهای متفاوت غربی و مسئله جنگ و چگونگی "طرح" نظرات متفاوت دارند اما همه سعی آنهاست و بویژه خمینی این است که این "اختلافات" در همین سطح و مطنی بماند و به درون ارگانهای دولتی احراری و بویژه ارتش و سپاه کشیده نشود بلکه همه ارتباط خط سیاسی کلی پیروی کنند. بهمن خاطر است که خمینی احساس خطر می کند و او میدانند که وضعیت جامعه بحرانی است و او میدانند که داشته تارهایش در سر بس مردم چه اندازه وسیع است و او میدانند که توده ها بی اندازه از رژیم متنفرند پس به همپالگی ها پیش همدار میهد! امروز اگر چنانچه خدای نخواسته بیک ظلمی وارد بشود بر این جمهوری اسلامی نمی دانید که ما چه خواهیم کرد. و میدانید اشغال الله با بیدارید. باید احساس خطر بکنید برای جمهوری اسلامی و همه احساس خطر بکنید. ما بین راه هستیم و نتوانستیم تا حالا آنکه می خواهیم متحقق کنیم و شاهین مقداری هم که آمدم علت متوجه شدند به ده ملتها بیدار شدند و بیدارتر هم میشوند "کبیران - همانجا" آری خمینی جلد برای جمهوری اسلامی احساس خطر می کند و میدانند که توده ها چه کینه ای از آنها بسند دارند پس فرمان میهد همگی متحد باشند دست بکار شوند با شور و خفان عدلتره سرکوب و شکنجه و کشت و کشتار وحشیانه تر و خمینی بسیار سریع می گوید از این پس هیچگونه اخبار و اطلاعاتی در مورد مسائل مورد مشاجره به خارج درز نکنند البته او طبق سیاست فریبکارانه و موزیانه همیشه خود این موضوع را بطریق خاصی مطرح می کند و در ضمن آن

به مسائل مهم دیگری اشاره می کند. خمینی میگوید: خواهان آنست که ارتش و سپاه با مسائل سیاسی کنار نمانند و فقط بوظایف خود یعنی کشت و کشتار مردم زحمتکش جامعه ما بپردازند.

"آن چیزهایی که من باید عرض کنم این است که بیک مجلسی که وقتی واقع می شود در بین دولتی ها یا بین مجلسی ها و یا نطق مجلسی ها یک وقت اینست که بر اینو آن را ذکر نمی کرد خود فرستاده بود این آنقدرها غرور نداشت. اما که بنا بر این است و خوب هم هست که رانیم مردم را در جریان بگذارند. مجرد اینکه بیک اختلافی در مجلس پیدا می شود منعکس می شود معکس می شود در سپاه و ارتش ما که می خواهیم به همه دنیا که لسان این هستند که ارتششان از مورسیسی کنار باشد آنها بیک چیزهایی می فهمند که میگویند این را برای اینکه اگر جهات سیاسی و مناقشات سیاسی در سپاه وقت و در ارتش رفت باید فاشه این سپاه و ارتش را ما خواهیم برای سپاه ها جایز نیست که وارد بشوند به دست بندی و این طرفدار اون یکی و او طرفدار اون یکی و به شما بقیه در صفحه ۴۴

” شما ها زیاد فکر میکنید همه اش که نباید فکر کرد راه که بیختم و ترسمان نکلی میریزد“

صمد بهرنگی

به انتشار روزنامه «نیواری پیام» خوانده «پرداخت کنه»
 در آن پرنده از چهره کاسه لبان و مسئولین دانشرا
 و در کل فواین حاکم بر آنجا برداشت با پایمان
 دوره دانشرا صمد راهی روستاهای آذربایجان گراینده و
 با زنده سال در نقاط مختلف آن دیار به آگاه کردن
 کوفکان روستایی پرداخته در این دوران همه مسا
 مقالات متعددی تحت نامهای مستعار در مجلات و روزنامه
 ها با چهره پرمایه گردآوری اسبابات فولکلور و فرهنگ
 اصیل و مثرقی مردم زاگانه (آذربایجان) ازبیسگر
 است آوردهای ارزنده او در سالهای کوتاه ولی پر بار
 زندگی شمار میسروده زندگی پرماجرا و جدا هائسه
 صمد بهرنگی را آخرین نمونه یک هنرمند و نویسنده
 آگاه خلق که با نسل رودی خروشان در دل بخش وسیعی

هنگامیکه صمد بهرنگی نویسنده انقلابی و معلم
 دوست داشتنی کودکان در کوچه «نور» مسافه ای در
 منطقه آذربایجان در تاریخ ۹ شهریور ماه ۱۳۲۲ به وفات
 رسید که حبش خدا صیرر لبش خلق ما یکی از فرزندان
 راستین انقلاب را از دست داده
 رفیق صمد در تیرماه سال ۱۳۱۸ در منطقه روستایی
 «بهرنده» تبریز بدنیا آمده پدرش کاکر ماسه ای بود
 که شیمی در سال را بکار مشغول و به زحمت زندگی
 خود و خانواده اشرا تکامین مستحده در جنبین
 شرباطی صمد دوران کوفکی خود را با تحمل درد و رنج
 و فقر تاشی از روابط ظالمانه موجود پشت سر گذاشت
 و پس از پایان دوره اول متوسطه به دانشرای معلمی
 رفت در این دوران صمد بکمال عده ای از دوستانش



زمینه‌های داستان "ماهی سیاه کوچولو" است. او برای این داستان به محفلات جنبش برافروزد نمونه و رهنمودهای کسی برای راهگشایی آن طرح می‌کنند.

در نورانی که جنبش انقلابی خلقهای ما دچار یکسوی شده بود و عناصر آگاه جامعه بصورت متفصل و سردرگم و بدون ارادتهای عموماً انقلابی بحر میبردند، مهد در این کتاب (ماهی سیاه کوچولو) و نیز در کتاب "تاعت در خواب و بیداری" این سی عملی روشنگران را افشا نموده و راه حل انقلابی خود را نشان میدهد. او به روشنگرانی که بدون هیچگونه حرکت عملی و در پشت درهای بسته فقط "فکر کردن" مغفول بودند، میگوید:

"شماها زیاد فکر میکنید، همه این که نباید فکر کرده راه که بستم ترسها را بکنی میریزد" مراد رقیب، آموختن در عین عمل است و بکار بردن آموخته‌ها در حرکتهای آتی برای پیشبرد امر مبارزه و در جای دیگر در مورد آن، اینکه از ترس دیکتاتوری تاشی، رسلطه امپریالیسم در لاله خود فرورفته و بقای خویش را نوحه میکنند میگوید: "مگر خیلی آسان می‌تواند الان سراغ من بیاید؟ ما من تا میتوانم زندگی کنم به پیشروان مرگ نمیروم، البته اگر یک وقت ناچار با مرگ روبرو شدم که میگویم مهم نیست، مهم اینست که زندگی با مرگ من چه شری در زندگی بگیران داشته باشد؟" همین ترتیب بعد در "ماهی سیاه کوچولو" و "تاعت در خواب و بیداری" ضرورت مبارزه مسلحانه بیناهنگامه‌ها را خود گذشتگی و فداشی بولون را مطرح میکنند.

رفیق در مورد دانشسرایعالی و بعدها در دانشکده ادبیات تبریز با رفقا بیروز دهقانی و طبره‌ها تا بهل بیروز طایع منافع فلکی آشنا گشته و دروازه‌های می‌گشاید با آنها قرار میگیرد. او در سال ۱۳۲۷ در جریان فعالیتها، بسی با چریک فداشی خلق رفیق کبیری میر برروز بویان آشنا می‌خورد، در نتیجه بیداری که بین دو رفیق صورت میگیرد، رفقا بیروز دهقانی

از خاکسترشیدن و توده‌های زحمتکش سپهر ما جریان داشت و یکی از نورانیهای درخشان تاریخ مبارزان خلقمان و پیشگامان انجمنند آن شما میسرود.

اکنون هائزده سال از شهادت معلم بچه‌های روستایی، هنرمند توده‌ها، محقق فرهنگ مردم، ادیبان شناس زبان گویای فرهنگ اصل خلق آذربایجان و دوست بچه‌های محروم و زحمتکش سپهر ما میگذرد. در این سلسله تاریخ مبارزان خلقهای ایران شهادت هزاران تن از بهترین فرزندان خود را، میتوانست گسترش مبارزه فسر-آسیز علیه رژیم مملکت شاه و ملقا آن رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی قرار داده و خواهند داده.

بعد از دوران جوانی تا آخرین لحظه زندگی ۲۸ ساله‌اش به گردآوری و آفرینش ادبیات عمیق و انقلابی خلقهای پیش برداشت و آفرینش بود که هر قطعه‌ای در گذشته خود را مبارزات و جانفشانی‌های درخشان را از سرگذراننده و این مبارزات سپهر به طبقه در بین توده‌های مردم بصورت حکایت‌افسانه و ضرب‌المثل در آمده است. همین مناسبت به همراه رفیق همزیمن چریک فداشی خلق بیروز دهقانی به گفتگو با زحمتکشان آن مبارزان افکار و با جمع آوری افسانه‌ها و حکایات مشرقی که برای محتوای مبارزه جوانان بودند در رشد فرهنگ ملی و آگاهی رنجبران سپهر ارزنده‌ای را آفرینده نمود.

وی طرح مسئله ملی را با مبارزه همه جانبه علیه رژیم فخرتقی در هم آمیخته بود و بدین ترتیب هم به ناسیونالیسم تنگ نظرانه اجازه رشد نداد و هم جهت درست مبارزه را برای جنبش خلق تعیین نمود.

دانشسرای و نوشته‌های بعد از همواره از زندگی واقعی مردم زحمتکش سرچشمه گرفته و درستیهای ماندگی زبان توده‌ها و بیروز از هرگونه شطرها و لغاتهای "روشنگران" بیان یده است. او با تحلیل‌های همه جانبه و علمی مشکلات و علل آنها را عکاسی و شیوه مبارزه برای توده‌های طبقه‌های و ملی را بیرونی با رگو می‌نمود. یکی از آثار ارزنده او در این

رژیم جمهوری اسلامی در ورطه بحران

کنون پس از گذشت پنج سال و اندی از عمر رژیم جمهوری اسلامی و هرچند روفتنش شدن عملکردش و ماهیتش و در نتیجه افشای چهره واقعی او برای اکثریت مردم و سران رژیم به تازگی به افتخار و عین در لایه‌های سیاسی چهره واقعی خود نمایان شده. اگر به روزنامه‌های جمهوری اسلامی نظری بیفکنیم همه روزه مقالات و گزارش‌هایی در مورد فساد و محاسبات ۱۵۰۰ و رژیم جمهوری اسلامی از جنبه "ماهیگیران" رژیم در آنها مشاهده می‌کنیم.

در همین رابطه ما گزارش روزنامه کیهان مبنی بر دیدار آقای منتظری با جمعی از دست‌اندرکاران رژیم منجمله حاجت‌الامام آبروئی، جلالی خمینی و موسوی همدانی نظری می‌افکنیم تا زلال این گفتگوها بیشتر و بهتر بتوانیم به نقطه نظرات آنان در مورد مسائل مطروحه پی برده و محتوا، و واقعی نظراتشان را روشن کرده باشیم. در این گفتگو منتظری خطاب به امیرالمؤمنین شده در بالا چنین رهنمون می‌دهد: "کار اصلی روحانیت همان مسئله تبلیغ، ارشاد و معرفی اسلام به مردم است" (کیهان چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۶۲)

بله بی‌ترستی اگر کسی کارنامه سیاه و ماله روحانیت آقای منتظری مزبور را ندانده ممکن است به این فکر بیفتد که چرا تازه سران رژیم ب فکر تعیین وظایف اصلی روحانیت افتاده اند، ولی برای اکثریت مردم که پی به ماهیت فطرتی آنها برده اند پیداست که تبلیغ از نظر این جماعت همان تبلیغ عقیقت‌انگیزی و خرافات، سرکوب‌گرانه‌های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی، تبلیغ علیه نیروهای انقلابی و تروریست و خرابکارخوانندگان آنان، از نظر آقایان "عالم" و "دانشمند" ارشاد مردم از چهارچوبه رژیم اسلامی یعنی پرورش جاسوس، تبلیغ روحیه ضدردمی توده‌ها، دستگیری مفری توده‌ها.

جهت منحرف شدن از خواسته اقتصادی سیاسی خود و امید و زکردن آنان به "کشای" پس از این دنیا. سران همه همین گفتگو چند سطر پایین تر، منتظری چنین می‌گوید: "علماء و دانشمندان که کارشان این است مسائل سیاسی هستند نباید در هر فرعی مطابق شرایط و نیاز زمان وظیفه سنگین خود را انجام دهند." (کیهان همانجا)

در اینجا می‌بینیم که منتظری به نکته قابل ملاحظه‌ای اشاره می‌کند و آن شرایط و نیاز زمان است که وظیفه اصلی روحانیون بسته به آن تعیین می‌شود. بله در اینجا منتظری خود نیز بر حسب شرایط و نیاز زمان هشدار می‌دهد که اگر در ظرف پنج سال گذشته بر اساس مجموعه شرایط جامعه روحانیون (بخشی از مزبوران) صافه بر سر امیرالمؤمنین (ع) شرایط جدیدی به فریب و گفتار بیرحمانه خوده‌های مبارز در اقصی نقاط جامعه مشغول بوده‌اند، اکنون که بر اثر شناخت هرچه بیشتر توده‌ها به ماهیت ضدردمی آنها پی برده‌اند، منتظری‌ها برای حفظ حاکمیت موجود و منحرف کردن اذهان توده‌ها از سرمتفقا، اصلی همه مسائل یعنی طوطی امیرالمؤمنین به چاره‌اندیشی برداشته و هر از گاهی خاکشکی‌های "خویش" را شکر می‌کنند. اگر تا دیروز این مزبوران بنا بر اساس "امیرالمؤمنین و زوال‌های اسلام به سرکوب چنین برداشته و هر مخالفی را شکار نام کافر و ضد انقلاب بودند، زندان و شکنجه محکوم می‌کردند، امروز که این "علماء" و "دانشمندان" مورد تفرق و انزجار توده‌های وسیع قرار گرفته‌اند، به همسنگر همدار شده و به فکر چاره‌اندیشی و رنگ و لعاب دادن چهره رژیم وابسته به امیرالمؤمنین افتاده‌اند.

منتظری در این گفتگو همچنین به نقش مساجد ترجیحاً معصه

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

اشاره کرده و میگوید: «آئینتی که اخیراً مساجد در شهران و بعضی جا های دیگری محل توزیع کتلا و مایحتاج مردم شده کار فرستی نبود، مگر مساجد، مغازه و فروشگاه است. این جور کارها باید دست خود مردم در بازارها و مغازه ها انجام شود و مساجد باید همچون گذشته قسداً نقش حفظ شود و مرکز نماز و نیایش و تبلیغ اسلام و شبیهین معایل یعنی و اخلاقی باشد.» (جماعت)

اما به رژیم این معادلی را که اکنون منتظری صرفاً محل نماز و نیایش و تبلیغ اسلام و شبیهین معایل یعنی و اخلاقی می شمارد و خواستار «استفاده صحیح» از آن بود چه کمکی داشته باشد به آقیان «طنما» و دانشمندان و آریبان امیرالاست آنها نموده است. حقیقت اینست که از همان اول به فکر رساندن رژیم جمهوری اسلامی و مردمندان رژیم حاکم به فکر ترمیم و بازسازی و ایجاد ارگانهای مختلفی جهت تشکیلات رژیم جدید و کنترل جنبشها افتادند. ارگانهایی نظیر ساه یا مداران و سازه های کمیته های امام و شیخ و ... از این جمله اند. در این میان مساجد کوه مخمومها پس از تغییر و تحولات به وجود آمده در پیرویه قیام و پس از آن به عنوان یکی از مکانهای مهم تجمع توده ها بشمار می رفت. به قول آقای منتظری مزدور «مطابق شرایط و نیاز زمان وظیفه سنگین خود را انجام داد. بطوریکه عملاً مردمندان رژیم و مزدوران رژیم و نرشت آنها (از طبقه های حوزه علمیه گرفته تا آخوندکهای مرتجع نظیر غفاری ها ... و ملاهای مساجد بزرگ شهران و شهرستانها) مساجد را ترمیم و تشکیلاتی برعلیه کمونیستها و کلبه صدالعیون آزادی و آزادیگویی تسلیم کرده بودند و بازارگر بنا بر اقتضای شرایط و نیاز زمان در روزهای قبیل از قیام همین روحانیون مجبور بودند در همین مساجد از مبارزات قهرمانی و از خود گذشتگیهای چریکی در بالای سرباز یادگنده تا خریداری برای سخنان خسوه میابند و اعتماد توده ها را به خود جلب نمایند.»

می بینیم که امروزه همین مشروصاً جد بر حسب شرایط و نیاز زمان به سنگرهای انقلابیون تبدیل گردیده است. امروزه مساجد بعنوان محل تفتیش مقایسه و پرورش جاسوس تبدیل شده و رژیم جمهوری اسلامی به فریب از این طریق به عناصری انقلابیون و فعالین توده ها پرداخته است. واقعیت اینست که رژیم جمهوری اسلامی از بلو روی کار آملنتر نه خواهان آن بوده و نه قادر است که جوایگری خواسته های اقتصادی توده ها باشد چرا که اساساً خود این رژیم بر طبق موازین اقتصادی سرمایه داری جهانی به اشتغال توده ها در همه زمینه های اقتصادی - سیاسی فرهنگی و ... میسر کرده وجود و ادامه جنگ ایران و عراق نیز بر این مسئله تأثیر گذارند و رژیم را از نظر اقتصادی در شرایطی بسیار وخیم قرار داده است. لذا رژیم برای جلوگیری از خواسته های اقتصادی مردم و اشتغال توده ها به فکر مساجد و سایر محورها به کوشش کردی کلاه و مایحتاج روزمره مردم گردیده و مساجد را مناسبترین محل این امور تعیین کرده است. اما به نظر ما حقیقت مسئله اینست که ختم نمیگردد بلکه حقیقت اینست که توده های مردم برای رفع شرایط بد اقتصادی سیاسی و فرهنگی ... دست به مبارزه زده و با رفتن رژیم شاه و آمدن رژیم خمینی کماکان به خواسته های خود دست نیافته اند. لذا همچنان به مبارزات خود در زمینه های مختلف ادامه می دهند. رژیم جمهوری اسلامی نیز از آگاهی به این مسئله همانطور که گفتیم به وسیله ارگانهای مختلف در فکر کنترل مبارزات توده ها بوده و مساجد مساجد به عنوان یکی از این ارگانهای نقش ضد انقلابی خود را از این طریق نیز به اثبات رسانیده است. از آنجا که در هر کدام از مظهر های شهرهای مختلف یک مسجد وجود دارد، رژیم از طریق بخش کوبین های کلاه و مایحتاج روزمره مردم و وصول آنها در مساجد به کنترل مردم هر مظهر پرداخته و از این طریق به عناصر سیاسی افراد جدید آن محل و نفوذ و خروج آنها و افراد سابقه در مظهر

سیاست‌های آمریکا در منطقه آمریکای مرکزی



نوشته زیر به استناد مقاله سیاست‌های آمریکا در منطقه آمریکای مرکزی مندرج در نشریه اس‌ا لودورلینک تهیه گردیده است.

مقدمه

یکی از سیاست‌های اصلی آمریکا نسبت به شورای مرکزی جنبش‌های بجا خواسته خلفای تحت تسلط میلستاریسم می باشد. هر شرایطی که جنبش‌های رها شیبش و تهر آتیز در مراکز آمریکای مرکزی بجا خواسته آمریکا لیسم آمریکا برای جلوگیری از مراکز این مراکز تا چه دیگر مناطق تحت تسلط خویش در همین حال برای مرکزی آن نسبت به سیاست ریزه کردن این مناطق میزبند تا جایی که جناح بلوی های دیگر آمریکا لیسم با اجرای این سیاست به این شکل مخالفت کرده و احتمال بوجود آمدن ویتنام دیگر را در آمریکا ی لاتین گوشزد میکنند. امروز دخالت مستقیم نظام آمریکا در مالدی با جنبش‌های مسلحانه در اس‌ا لودور و گواتمالا و هندوراس و ... و نیز اخیراً سرنگونی یک هلی کوپتر توسط نیروهای نیکارا گولف که در مزدور آمریکا می در آنها به طاقت رسیدند خود امر فوق را تأکید میکنند. البته آمریکا لیسم آمریکا نسبت به های مدظرفی خود را همواره تحت لوای حقوق بشر و دموکراسی در کنار نفوذ توری و کوبا و ... در منطقه و ... توجیه میکند.

کاستریکو

این کشور مثالی است از اوضاعی که قبلاً توفیح داده شده تا سال ۱۹۸۰ کاستریکو آنجنگان کمکهای نظامی دریافت نمی کرد. اما از سال ۱۹۸۲ اوضاع تغییر میکند. در همان سال ۳ میلیون دلار کمک های نظامی به این کشور ارسال شده علاوه بر آن امنیت این کشور از سال ۱۹۸۱ آموزشهای مخصوصی را در پایگاه (FOAT و GULICK) در پاناما دوره شد است. همچنین در سال گذشته ۴/۵ میلیون دلار ابزار و ادوات نظامی به این کشور ارسال شده است. ۱۰۰ نفر مهندس نظامی از طرف آمریکا لیسم آمریکا برای جاده سازی نظامی در این کشور گسیل گشت، که بعلاوه گسترش اشتراکات توده ای و تقاضات رسمی که توسط سردم کاستریکو صورت گرفت این برنامه به تعویق افتاد. گسترش سیاست ریزم در کاستریکو از نظر نفوذ یک جنبه دیگر برای مرکزی و جمله به دولت نیکارا گولف و علیه آن کشور نیز اهمیت خود را نشان میدهد.



گسترش

گسترش داشته انقلاب و انقلابیون معتقد به مبارزه مسلحانه در گواتمالا رژیم مزدگواتمالا را درونان و دختری قرار داده است که آنها قادر به دخالت مستقیم در اوضاع بحران کل منطقه آمریکای مرکزی هستند. (ما در شماره ۱ گزارش‌های مفصلی از مبارزات خلق گواتمالا و نیروهای انقلابی آنها درج نمودیم) مرکوبی مبارزات انقلابی به کمیدترین وضعی ادامه دارد، در سه ماه اول سال ۱۹۸۴، ۲۰۷ نفر توسط رژیم نظامی گواتمالا کشته و ۳۰۸ نفر زخمی و ۲۳۳ نفر نابینا گردیده‌اند. اوضاع وخیم اقتصادی بحران خود تظاهراتی از طرف افشار مختلف جامعه را به همراه داشته است. بسیاری از نابودی شهرها و روستاهای تحت فعالیت نیروهای انقلابی از جمله روستای (Belice Sanjose) که توسط رژیم در ماه فوریه ۱۹۸۴ مورد تاراج و سرکسجی شد تا به نابینا شدن همه ای از دهقانان گذشته است که تا این تاریخ هنوز اثری از آنان به چشم نیامده است.

هندوراس

درکنار نظامی کردن کل منطقه، در هندوراس حضور مستقیم نظامی آمریکا هر روز بیشتر گسترش میابد. تاکنون چندین پایگاه و مؤسسات نظامی در این منطقه ساخته شده است. همچنین ۵۰ میلیون دلار دیگر برای ساختن مؤسسات و پایگاه‌های مشابه در تیرینولترو-کاستیلان در نظر گرفته شده است. علاوه بر این است که در شهر (تروچیسلا) ساختن پایگاه‌های پرونده برتری هواپیماهای حمل و نقل نظامی (۱۳۰) آغاز گردیده است و در کنار همه آنها مانورهای مشترک بیسی نیروهای نظامی مشترک آمریکا و هندوراس که از سال ۱۹۸۱ تاکنون در چند مرحله صورت پذیرفته و تا سال

۱۹۸۸ این مانورها در دستور اجرا خواهد بود. سخنگوی نظامی دولت آمریکا در این رابطه مطرح می‌کند که از این پس با توجه به داشتن امکانات قدرت و پایگاه‌های نظامی در هندوراس بسیاری به برنده کردن نیروهای خود از طریق پاناما برای حمله به آمریکای مرکزی شداریم. حضور نظامی آمریکا در هندوراس به مخالفت‌های شدید مردم این منطقه مواجه گشته است و مردم قویا بر علیه آنها اعتراض کرده‌اند. توله‌ها موشها به این اوضاع مکنس - العمل نشان می‌دهند. تظاهرات اول ماه به فریادینخت هندوراس و تظاهرات دیگری که اخیرا در شهر (سان پترو مالا) به شرکت بیش از ۳۰ هزار نفر و به کار "آشغال‌های با تکی باید از هندوراس خارج شوند" در حقیقت تفرق توده‌ها را از حضور امپریالیسم و مزدور نشان و گسترش و توسعه جنبش‌های ملی و راه‌شخصی‌ها را بر علیه اشغال نظامی پانگرا نشان می‌دهد.

بالبیه در صفحه ۴۹

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

۱۷ شهریور

روز ننگ حکومت‌های وابسته تجربه‌ای دیگر برای خیالپردازان

در روز ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ رژیم مرفوز شاه‌سرای
خلوگیری از گسترش مبارزات توده‌ها و حرکتیاد و حشیدانه
خسین خلق، نظام حکومتی من‌شود. تحصیل فدا رهنمای
شدید اقتصادي - اجتماعي - سطح امپریالیستی سر
گرفته رهنشکان، که به سرآنان را لیریز و درآورد
خود ارائه آنان را برگسترش مبارزه و مقابله با
ارزش امپریالیستی دو چندان کرده بود. بطوریکه
با اعلام حکومت نظامی در روز ۱۷ شهریور شوله‌ها
دست از مبارزه نکشیده و با برگزاری تظاهرات گسترده -
ای اعتراضی خود را به برقراری حکومت نظامی نشان
دهنده ولی ارزش‌ناخته و پرداخته امپریالیسم
با ملاحظاتی آمریکایی این تظاهرات را در میدان ژاله

فردا صبح مبارزات خلقها، همواره روزهای هستند
که برجستگی خاص دارند. روزهایی که بیژانک مدای
آن‌ها بیگونی می‌روزان هزار انسان در فضای صحرایی
طین می‌افکند. روزهایی که انسانها به شعار
"یا مرگ یا آزادی" ادامه عمل می‌یوشانند و با شجاعت
مرگ و شتر خون خود برای نابودی زندگی امارت بار
انقلاب را به جلو سوق میدهند.
عده شهریور یکی از این روزهاست، روزی که عده‌های
ختم اشتقاق خلق زمانه کشید و شمس برای خاموشی آن
شعله‌ها که سنگفرش‌های میدان ژاله را بخون آنگسان
آراست. آن کشته‌ها پشته‌ها ساخت و از آن پس میدان
ژاله نام میدان شهدا بخود گرفت.



ایستاد) به گلوله بست و با کشتار بیش از ۱ هزار نفر از مردم خمنیجه میهمان، ماهیت هاشمی و مزدوری خود را بیش از پیش به همگان نشان داد. در این روز توله ها با دیگر با این واقعت روبرو شدند که ارتش که بخت امیرالاستی پایه گذاری و ساخته شده است همواره بعنوان چماق سرکوب جهت حفظ منافع امیرسا- استیما عمل می‌کنند.

اگر در ۱۷ شهریور ارتش مزدوری که دربرآدمکتی و وحشیگری را در مکتب امیرالاستی آموخته‌هاست می‌شناسیم همون سرکوبی مبارزات خلق آذربایجان و اولیست دولت خود مختار کرمان ۱۸ مردانه ۱۵ مردانه و عدها جنایت هولناک دیگر است زلفه و این هم را در اجزای ناله های غارتگرانه مرتکب گردیده است. سرسینه امیران رژیم جمهوری اسلامی نیز در همان زمان فرسنگ و فرانس و تهران دستورالعمل های جنید را بنا بر تکتیک های نویسن امیرالاستی، برای حفظ ارتش "فاجعه های" نوبادان می‌فراخنده و با انواع فریب ها و تحقیر ها و با طرح شعارها در از قبیل "گفتند خمنی ارتش بر ماست" و "برادر ارتش بر"

برادر کشتی" و برتا با دسته های گل بظرفی ارتش سعی کردند تا اذهان توله های بی‌خوابه را از مسئله نابود کردن ارتش امیرالاستی حنرقا بجا بیاورد. آری ده خ تنگا جنایت ۱۷ شهریور و کلیه سرکوبها و بیامدهای بعد از آن بر روی پیشانی رژیم جمهوری اسلامی سبزه نافرست است - رژیم جمهوری اسلامی از مغز روی کنار آمدن خود به تطهیر و شرمیم غربت و ارفه بر ارتش برداخت و لیکتار آن سیاه باعداران را نیز محسوزان زاشده لیکتاری از این ارتش و برای تقویت بیش از پیش نیروهای سرکوب خود بوجود آورد.

مبارزات دهقانان ترکمن صحرا توسط همان ارتش و زاشده های نوبشیدک و خون کشیده شده سرکوبها مبارزات خلق کرد و فاجعه های کشتار مسلح و قتل عام روستا های قاربا و قلله شان توسط ارتش و باعداران و دستور خصمی جلا و بفرماندهای چمران مزدوری حوجه هاشمی ماخذ پنی من که امروز می‌خرمانند شعار "آزادخواهی" و "دفاع از توله ها" را سر داده است صورت گرفته تاریخ جنایات ارتش از سکو پناگذاری چه در دوران رضاخان قزاق و چه بقیه در صفحه ۱۷



مذاکرات رژیمهای ایران و ترکیه (نوطه امپریالیسم بر علیه خلق کرد)

بجای نرسیدن فرگفتگوش با خبرنگار جمهوری اسلامی
بیرامون نتایج مذاکرات اظهار داشت: مذاکرات در
حول محور مرزی و اقتصادی بود و در مورد مسائل
مرزی بخصوص مرز صحنه جلوگیری از تردد اشغال
راهزنان و جنایتکاران که در مرز قوستان رفت و آمد
داشتند و اخیراً با عطیفات پیروزمندان لیلۃ القدر
تاریخات سفید بخت و شامال نظر بعمل آمد و
فرخواستهای شد که استاندار وان در این رابطه
و مدعی هاشمی داد (تأکیدها از ماسه)
"استاندار وان ترکیه فرگفتگوش در مورد احتراف
اشغال جنایتکار فراری به ترکیه اظهار داشت: فرانس
زمینه گفتگوشی انجام شد و بیشرعت قایل
توجهی به عمل آمده است" (همانجا)
جنایتکاران تاریخ همواره کوشش میکنند تا اهداف
بقیه فرغند

باریکر رژیم مورچه‌خیز جمهوری اسلامی خراسان
از "پاکسازی روستاهای کردستان از ترور و راهزنان
و و از بلندگوهای تبلیغاتی خود سرافراز است
"گرچه در شادان و نرسیده خوشی رژیم هیچ گونه شکستی
نسبت ولی ادعای جدید رژیم برای ظلمت‌های ایران نیز
تازگی نداشته و ندارد. رژیم جمهوری اسلامی از آغاز
روی کارآفرینان صفا بار مدعی پاکسازی همان تکلفه
ش که امروز نیز غیر "پاکسازی" ترها را میزبان
بوفه اند و هر نارسی از این ادعا، با ستون شهادی
اسلام در جنگ با عدالت‌گرایان وابسته به استکبار جهانی
بارگشته است. رژیم همواره این کت و کتارها را با
وفاداری و جرمی تمام تحت لوای "خواست مردم مسلمان
کردستان" صورت داده است. ترگوئی و زشتگان اسلام
بخاطر بمباران شهرها و روستاها و قتل‌عام مردم کردستان
است که مورد استقبال شدید روستاییان خراسان
میگردند.

در ادامه این سیاست اخیراً جمهوری اسلامی برای سر-
کوبی جنبش خلق کرد ابتدا با "رژیم برادر ترکیه"
نیز شد و با نمایندگان مردم کرمان رابطه مذاکره
نشسته است. کجیان مورخ ۱۷ مرداد ۶۳ مکتوبه:
"نخستین دور از مذاکرات استانداران آذربایجان فرسی
و وان ترکیه بیرون مسائل مرزی و مسائل تجارتی
بعد از ظهر پیرروز (۵ مرداد ۶۳) در شهرستان ارومیه
انجام شده. این مذاکرات در فوراً به انجام گرفت
نخست حوادث اتفاقات و مسائل مرزی مورد بحث
و بررسی قرار گرفت و علاوه بر استانداران آذربایجان
فرسی و وان ترکیه آقای معاونت برکسول جمهوری
اسلامی قرار ضرورت و فرماندهان ژاندارمری و مریه‌باشان
و روحای شهر باسهای لوستان و مسئولان سیاسی و
ساز حضور داشتند. آقای شیخ عطار استاندار آذربایجان -





کشتار "قارنا" یادآور قتل عام "دیوراسین"

نویزایم شهرورما ۱۳۵۸ جزدیوران رژیم وایسته
به ایستایم جمهوری اسلامی ایران ده کشت و کشتار
خالی خود در کرستان به جنابتی وخصانه مست زکنده
قرابن روز دزخیهان مرکبگر رژیم ۶۸ تن از سردان
و زمان مالخورنه و کوفکان خرمسال را در روشهای
"قارنا" در منطقه لویا بقتل عام کردنده این کشتار
وخصانه و هولناکه که یادآور قتل عام نککه وپشامی
"کارتی" بخت صوان کالی، جنایتکار آمریکایی و
سرقتل عام اهالی فلسطین رومتای "دیوراسین" بخت
ساختارن میونیمت بود که در واقع میانگر ما هیست
و قتل رژیم جمهوری اسلامی بود.

در واقع زمانی رخ داد که ارتش و سپاه پاسداران
تقریباً نشت تا کرستان را به گورستان بزرگ تبدیل
ساختند.

خرستان زمان برخی از تپروهای تاریک را زقیبیل
ساختن (سازرات حق طلبانه خلق کرد و "کشتار"
بر سرکش خوانده و آن وجود "کشتار" در منطقه
که بر جنبه "سازرات خدا میزبانیم" رژیم جمهوری
تولید میکند، جن رنده و سازرات خلق کنند
را در حقیقت "آمریکایی" خلق نموده و بر علیه آن
شیخ میگردند.

قتل عام هولناک رژیم در "قارنا" در سرخطی
صورت گرفت که نموده های انقلابی میهن ما درگیر
سازرات سرسری برای رسیدن به خواسته ها و اهدافشان

بودند و در همین حال هنوز کاملاً به ماهیت رژیم پستی
سراسر بودند. اگر چه برخی از نیروهای سیاسی
در آذربایجان نسبت به افشای این جنایت زده و خواهان
مجازات عاملین آن قتل و عام بودند ولی رژیم
جمهوری اسلامی با گسترش هرچه بیشتر سیاست سرکشی
و کشت و کشتار خود بر علیه خلفای سابر سر
ایران که خواهان قطع صلح "میربایم" و حاکم شدن
خود بر مونسخت خویش بودند، چهره حذقی افرا هرچه
مربان سرینما بتر گذاشته و فرعمل به توله ها نشان
داد که رژیم جمهوری اسلامی لویا قح همان رژیم
خاصه می گذشته است ولی به شکل و نمایی جدید.

اکنون بهر زینجه از سازرات دلاورانه خلق
کرد میگردند و در این مدت خلق کرد تا شده است به
کسب تجارت نمایی و سرمایه کاری بر دشمن وارد آورد.
رژیم هم اکنون به گسیل هزاران تن از مزدوران خود
به کرستان فرمان معنی در "کشتار" کارمیا -
رزات حق طلبانه این خلق متخلیفه نموده است. زیرا
وجود جنبشهای وسیع توله ای در این منطقه از ایران
حکومت را از اجرای سیاست های "میربایم" در زمینه -
های سیاسی و اقتصادی با مشکلات ایران روبرو کرد -
داشته است. همچنین خاطر نیز برای "کشتار" سیاستهای
گذشته، نیاز مبرم به نابودی جنبش خلق کرد ها رده حتی
بشکل میرسد در شرایط خاصی در آینده رژیم ایران برای
نابودی سازرات در این منطقه از رژیم عراق سب
بقیه در صفحه ۲۰

السالوادور: اعدای مبارزه خلق

سلسله مقالاتی در رابطه با :

(FPL و BPR)

مقدمه:

آمریکای مرکزی فرساید است که تحت تسلط نیروهای ائتلافی خارجی قرار داده ابتدا قدرت های صنعتی و سپس امپریالیسم سیاسی ولین قدرت خارجی بود که با کمک دولت بریتانیا فرماحیون اقتصادی و سیاسی عمیق مانده ای را بر این منطقه تحصیل نمود که نتایج آن تا به امروز محسوس می باشد. در اواخر قرن ۱۹ نیروهای سیاسی در حالتی کشورهای این منطقه را ترک گفتند که پنج دولت "مستقل" این منطقه در مدار بازار جهانی که عمدتاً توسط دولت اروپائی کنترل می شد قرار گرفته و به صورت کشورهای تک محصولی درآمد یافته بودند. این بدان معنا می باشد که دولت انگلیس و اسپانیا سرزمان تسلط کامل خود بر این منطقه اقتصاد کشورهای منطقه را درجه بندی تولید تک محصولی به عنوان مثال قیوه کتان لیزه کرد و به این کشورها تنها اجازه صدور آن محصول بخصوص را به بازار جهانی که توسط اروپا کنترل می گشت اعطا نمودند. پس از فروپاشی نیروهای استعماری و بوجود آمدن امپریالیسم اتحاد انگلیس و سپس آمریکا با واگذار کردن واحدهای عظیم و سرمایه گذاری بزرگ در این کشورها، عملاً اقتصاد این کشورها را به اقتصاد وابسته تبدیل نمود و تریک پروری آنان را به کشورهای وابسته به آمریکا که بعد از جنگ دوم جهانی نمایندگی امپریالیسم جهانی را به عهده داشت تبدیل کردند.

امپریالیسم آمریکا جهت حفظ و گسترش منافع خود

مقاله زیر ترجمه اولین قسمت سلسله مقالاتی در رابطه با خطوط اساسی ایدئولوژیک سیاسی دو سازمان انقلابی در السالوادور (FPL و BPR) میباشند که شکل اقدام به درج آن در چندین شماره می کنند.

و ادغام آن با جنگی این کشورها با بارها و بارها این منطقه را هدف تاخت و تازهای نظامی خود قرار داده است تا با حمایت از بورژوازی آلیگاریشی مرتجع بتواند در مقابل نیروی رشد یافته خلق این منطقه قدم آورده به عنوان مثال نیکاراگوئه در یک قرن اخیر پس از سه بار مورد تجاوز نیروهای نظامی آمریکا قرار گرفته است. دولت های ملی و توده ای توسط کودتاهای خونین درهم شکسته شده و به جای آنان نیکتاتورهای نظامی بر این جوامع سایه افکنند تا حامی منافع امپریالیسم باشند. اما مبارزات خلق آمریکای مرکزی گماکن ادغام یافته است.

پس از پیروزی انقلاب کوبا، دولت آمریکا سعی در تغییر استراتژی خود نمود. قدم های اولیه این استراتژی توسع توسط دولت کنترا برده شده کشنده در اروپا و جنبه متحدی بنام "جنبه برای پیشرفت" تأمین گردید که در اولین اجلاس آن کندی طی سلسله ای عنوان نمود که انقلاب های آمریکا مرکزی جانشان را پذیر هستند ولی ما باید هر آنچه که لازم است انجام دهیم و این جنبه ها را خاموش ما زیم تا منافع آمریکا حفظ گردد. بدین ترتیب دولت آمریکائی با نکی جنگی خونین را تحت عنوان مبارزه با شورشیان خلق آمریکا ای لایس تحصیل کرد که در آن تمام روشهای سیاسی اقتصاد نظامی و روابط جهت پیروزی گرفتن جنبش های توده ای بکار برده می شد.



سکنی از انقلابیون جنبه آزادیبخش قمار را با نفوذ مارتینی در حال سخنرانی

میربخیزد. در حال حاضر نیروهای نظامی هندوراس تنها -
لوا توری و گواتمالا استبداد مستدام دهه اند تشار
گسترش مبارزه نیروهای انقلابی ایتالیای تورولوگستری
تعمیر شده

انقلاب کوبا که از نیروی خلق سرخ گرفت، بخوبی
نشان داد که تنها مبارزه مسلحانه است که نیروی استقلال
کاربردی دارد و میخواند جوا بگوی اهداف طبقه
رهنمکش باشد. شروع مبارزه مسلحانه در آمریکا ی لاتین،
راه صحیح مبارزاتی را به خلق این منطقه نشان داد و
باعت گردید که آنان طبقه به دست علیه طبقه
امپریالیسم بانگن به مبارزه سیاسی - نظامی برخیزند.
که در حال ۱۹۶۱ توسط کارکوس خونگنک پایسه -
ریزی گردید، توانست بر بخش مبارزه ای ۲۰ ساله استبداد
۱۹۷۹ حوزه رژیم مزدور سا موز را به خاک بجالاند
استقلال خلق نیکاراگوئه را، مانیت بخشد. در گواتمالا،
ارزش فقیهان سازماندهی گردید و در ایتالیای تورلوگستری
های آزادیبخش خلق با (فرا بوندو مارتینی) و سایر زمام

به عنوان نمونه ای از یکا برید، اعتراضات نری جنبه
آمریکای مرکزی می توان از موجود آوردن کوندک
(G.O.A.D.C.C.) نام برد که مجموعه ای
از نیروهای سرکونگر منطقه می باشد. این جنبه در سال
۱۹۶۴ توسط پینتاکون پایه ریزی گردید و در وقت
مکس، لعمیل بود در مقابل رشد جنبش های چریکی منطقه،
بخصوص در گواتمالا، که با گذشت هر روز منافع آمریکا
را بیشتر در معرض خطر قرار میدادند. چهار چوب
عملیاتی کوندکا را مجموعه ای از مائوهای نظامی
مشترک کشورهای عضو علیه جنگهای چریکی و هماهنگی
سازی عملیات پلیس، امداد اطلاعات و دیگر ارگانهای
سرکونگر تشکیل می دهند. در واقع تأسیس کوندکا
سکنی از بهترین تندیس آمریکا بشعار می آید، زیرا
در صورت گسترش جنگهای چریکی و به منظور افساد
مولودهای وابسته، مرتجع به آمریکا، اجازه کسب
نیروهای نظامی خود را تحت نام کمک به کشورهای دوست
می دهد. خلق آمریکا ی مرکزی بخوبی به این امر واقف
است که شکست امپریالیسم در منطقه تنها از طریق
گسترش مبارزه سیاسی - نظامی در منطقه و در سطح
جهانی امکان پذیر می باشد.

امروزه اطلاعات ارض، کوشش در جهت رشد هر چه
مربطت زمین های اقماری در منطقه ایجاد فضای
باز "مکتراک" شبه آنچه که بر نیکاراگوئه تسلط
حقوق رژیم سا موز انجام گرفت و در حال حاضر در ایتالیای -
لوا تور و هندوراس می گذرد، شلیقات منفی علیه
کوبا، مائوهای عظیم نیروهای نظامی آمریکا در
کار، چین و غیره، هنگامی تنها یک هدف را دنبال میکنند
و آن تلویت پشت جنبه امپریالیسم است. هنگامی اینها
در شرایط انجام می گیرند که دولت آمریکا با نگاه
نظامی خود را در منطقه هر چه بیشتر تلویت می کنند.
کارشاهان نظامی به ایتالیای تور کسب می گردند
و کمک های نظامی طبقه به کوندکا ارسال می گردد
و سازماندهی نویسی نیروهای حاضر در کوندکا انجام

توجه ای جنبه "تراپیختن خلق" (B.P.R.) مبارزه ای
 سهمگین را علیه آلیگارش، دولت نظامی و امپریالیسم
 آفران نمودند. این مبارزه از سال ۱۹۷۰، اعتراض تیزی
 سیاسی - نظامی خود را بر مبنای جنگ توده ای طولانی
 پایه برپایی کردند و وجود این اعتراض تیزی به "مبارزه
 رشد مبارزه طبقاتی در کشورهای این منطقه و بیرونه -
 شدن دولت های این کشورها در سطح جهانی" ماسکست
 گردید تا کوندکا که به مدت ۱۵ سال تقویت گشته
 بود نتواند نیروهای خود را برای یک روش پرروشی مستقیم
 با نیروهای خلقی جهت حفظ نیکتاتوری سازماندهی کند.
 در حال حاضر شاید بعد از سال ۱۹۲۲ که خلافت را
 توده ای در گرجان توسط آلیگارش درهم شکستند تیزی
 از ۳۰۰۰۰ کشته بجای گذاشت. جنبش خلق المالیو دور در عا -
 لیترین سطح مبارزاتی خود سر می برد. امروزه خلق
 المالیو نور از سلاح های مدرن تر و رشد ذهنی بالاشتری
 درجه مبارزه با دشمن بر خورده ان می باشد. سازمان
 آنها، F.P.R. مبارزه موندومارتی، در بعد وسیعی از فضای
 حزب مارکسیست - لنینیست که درهای حرقه ای با ظرفیت
 تشکیلاتی وسیع که درهای نظامی در بعد ارتش آزادیبخش
 خلق، ستون های چریکی و سلسله ای خلق که در فضای
 تشکیلاتی در سطح تمامگیری به دیگر سازمانهای خلقی
 چه در سطح نهادنان و چه در سطح کارگران شهسری،
 معلمین و دانشجویان و نیرو تشکیل گشته است. این
 نوع از سازماندهی، زمینه را جهت شرکت تمام خلقی
 در مبارزه برای آزادی میا ایجاد کرده که در گرجان، تها -
 نان، رنان، جوانان، حتی کولکان در سازماندهی -
 های محله ای و با هدفی جمع یافته و جهت استقلال
 به مبارزه ای تعیین کننده دست زده اند. در شهر و
 روستا تمام خلق به مبارزه با امپریالیسم، دولت
 نظامی و آلیگارش برخاسته و از طریق واحدهای
 پیشیا، ستون های چریکی محلی و نیروهای متحرک
 ارتش خلق، راه را برای یک تمام همگانی همسور
 می سازند.

بنا بر این تنها اعتراض تیزی که قادر است امپریا -
 لیسم و متحدین داخلی اش را به شکست بکشاند، جنگ
 توده ای طولانی می باشد و امروزه این اعتراض تیزی
 توانسته است که بر ستر شرایط فیزی المالیو نور خود
 را به عنوان وزنه ای در جامعه به ثبت برساند.
 سازمانهای انقلابی که این نوع اعتراض تیزی را در
 دستور کار خود قرار داده اند، می بایست که از طریق
 دیگر به مبارزه "بین المللی" همه جانبه ای علیه
 روشهای مبارزاتی سنتی از قبیل فرمسیسم و چیدگوشی
 مفرط که هیچکدام جزایگوی مسئله اساسی انقلاب که همانا
 بسیج تمام خلق حول جنگ توده ای طولانی می باشد،
 نیستند، برخیزند.

برسر این مسئله، در بین نیروهای حاضر در جامعه
 اشخاصی صورت پذیرفته که دسته ای به طرف مبارزه
 صرفا نظامی کشیده شده اند و گروه دیگر به طرف
 اپورتونسم ۱۰۰٪ ماردوگروه در یک نقطه مشترک هستند
 و آن همانا خود را جایگزین طبقه کارگر و خلق کردن
 در راه احقاقی اهداف انقلابی می باشند. حال آنکه
 نه آن گروههای مسلح جدا از توده و نه سازمانهای
 اپورتونسم، توانایی شکست امپریالیسم و آلیگارش
 مجهز به قدرت سیاسی - نظامی را نداشته و قدرت هموار
 کردن راه را جهت ماحتملان سوسیالیسم ندارند.

نکته ای که در اینجا باید به آن توجه مبرم کرد
 این است که مبارزه خلق المالیو نور تنها گوشه ای از
 مبارزه خلق آمریکا ی مرکزی که بر مبنای حیانت هسا و
 منافع امپریالیسم و متحدین منطقه اش تخمیم گشته اند
 می باشد.

منطقه ای کردن مبارزه در آمریکا ی مرکزی بسک
 احتیاج خراتی جهت پیروزی می باشد، چه از یک طرف
 آمریکا دست اندرکار منطقه ای کردن شیوه مرکسوب
 میباشد که نمونه اش را در عمل کردهای کوندکسا
 میتوان مشاهده نمود و از طرف دیگر تنها گمترشی
 مبارزه در کل منطقه قادر خواهد بود تا پیروزی سیاسی
 را برای خلق های این منطقه به ارمغان آورد.

پایه در صفحه ۳۳

گرامی باد خاطره شهدای مهرماه



گرامی می‌باید با خطا طره

پیرک له ای خلق رفیق شهید
مهرنوشا برا حسی ۹ مه ۱۳۵۰

گرامی باد خاطره تابناک گروه آرمان خلق



ورودهای خاطره انگیز
آواز مخوان بجانب دریا ، شناورند
توکوهسار مردان
انسانکوه
تورود با توفان
انسانرود
اسطوره ، طبیعت و انسان
آمیزه شکفت دودنیایی
زیبائی ای دلاور نیایی
ناست پرند های ست که یک روز
از آسمان سوخته خون ریخته
پرور می گسند
برمی گسند سوی آفاق های تابناک
برمی گسند به جنگل
برمی گسند به دشت
برمی گسند به نامه صبحی گسسته سال
صبحی شکسته با سم آتشگون
در حلقه شب
هرای بارگشت
ناست پرند های ست که می خوانند
ناست پرند های ست که می رانند
در سامه اند گلگون
آجا که وارگون
با نغمه ای تکسته
افتاد مروی خون
در شب سپه
جمعه دورناک نت
سعید سلطانی پور

غزل برای دلاوران

کوهی ،
که ایستاد کنار سپیده دم
بر کاکلت هنوز نشسته ستاره ای
رودی ،
که در هوای سحرگامی تپ
پیوسته و شکسته ، جو آئینه و آرمای
چون رود ، مهربان
مانند کوهسار شکبائی
زیبائی ای دلاور ، زیبائی
وقتی بوندگان سیکهیز و از ماها
از شاخه قربان تو پرواز می کنند
وقتی که خنده هایت ، غوغای شور و نور
در قلب شگرفته این تنگنای سرد
رنگین گمان همهمی بندد
و چشم های پاک تو
این چشمه های مهر
با شوق کودکان می خندد
در قلب من
دست سحر ،
زمان را
بیدار می کند
صبح ستاره ، صخره و دریا نی
زیبائی ای دلاور ، زیبائی
اما
رهبان توین کوهان
کوهان سگرند

اخبار ایران

"یک میلیون نفر برای خوشبختی ایران باید کشته شوند."

آیت الله محمد رضا مهدوی کنلی، فرماندهی نظامی و رئیس جامعه روحانیت تهران گفت: هر قدر که تعداد زندانیان و پناهندگان بومیان در جنگ با ایران شود، بازهم زیاد نیست. برای خوشبختی جامعه، یک میلیون نفری ایران باید یک میلیون نفر کشته شوند. بنابراین تلیفات که از طرف سازمانهای بین المللی و کشورهای استکباری و ضد انقلاب در این زمینه بشود اثری درمانند ندارد.

تحویل زنان در خارج ممنوع شد.

بنا بر گفته مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی زنان ایرانی را به هیچ وجه حق تحصیل در خارج نخواهند داشت. در لایحه اعزام دانشجویان به خارج که ماه گذشته تصویب رسید تأکید شده است که: "خانمها فقط در صورتی که محبت همسر خود را در خارج بخواهند درس بخوانند، همچنین با نواشی که به اتفاق همسر خود در خارج سفر می کنند، با اجازت"

کتبی، اورا برای ادامه تحصیل بدست آورند و به تأیید مقامات جمهوری اسلامی در محل اقامت برسانند. با توان محصلان در دانشجویی به محض اطلاق جزو افراد عادی به حساب خواهند آمد و با اجتناب به کشور مراجعت کنند.

نا موفق بودن "شبی زمکیر"

وزیر جمهوری اسلامی که هیچگونه فشار و تعدی برای ایجاد فغان سیاه بر مردم کوتاه نمیگردد است در سیاری از موارد سیاست و مقاومت مردم روستا شده است. یکی از این روستاها "شبی زمکیر" است که بومیان آن هرگز از زمین برای به اجرا آوردن "حجاب اسلامی" سازماندهی شده است. یکی از مزدوران عمده سر رژیم در مظن قرار به ریونی وضعف این گشتی در پیاده کردن نقشه های سرکوب خود در منطقه است. جواب نمونه است. همچنین "و مطرح نموده که: گشتی های "زمکیر" در قوت با موفق بوده اند و در گوشه و کنار مقاومت و نگرانی مردم موجود است.

بوده اند و فراداده افزوده است که: از این به بعد هر زنی که بخواهد با حجاب اسلامی مقاومت کند باید خشونت رفتار خودش را پیشه کند. قوانین اسلام در همه جا رعایت شود. در ماه گذشته در نظاره های که خواهان زمین در رابطه با "حجاب اسلامی" در تهران برگزار شده اند و خشونت خود را تا به آن حد رسانند که با مشاهده زنی که روسری کمی عقب رفته بود به او حمله کردند و روسری او را با پوسته پشمی او چسباندند.

نتیجه کمبود نیروگاه های برق.

بدینال خاطر: شبهای پیاپی که در نتیجه کمبود نیروگاه های برق موجود آمده وزارت نیرو نتوانی خود را در رفع این کمبود با دادن اعلامیه ای به مردم بدینگونه بیان میفارد که: "از یک روبرو وسایل مصرفی (کولر و غیره) خود را نشاید. وجه مقایزه داران دشمنان است که مقایزه های خود را در ابتدای شب تعطیل کنند. فروغ نتیجه کمبود نیروگاه های برق فشار بر مردم و مقایزه داران می باشد.

چهار میلیون مهاجر از
تهران خارج میشوند

استادان تهران گفتند جمعیت
شهر تهران به تنهایی فرمود
هفت میلیون نفر است که با
افزون دیگر شهرهای استان
یعنی کرج، ری، ورامین و دما -
وند به ۱۰ میلیون نفر میرسد.
او همچنین افزود: یک لغت‌چشم
بسیج اقتصادی تهیه کرده‌ام
که در واقع نوعی شناسنامه برای
ماکتان و اقصی استان خواهد
بود. او گفت: مشکل بزرگ
ما مهاجرات روستاییان به
تهران است. آنها به دنبال
آموزش و کاری و فرستاده به
اینجا می‌آیند و سطح زندگی
عموم را پایین می‌آورند.

فرهنگ برای ۹۰ هزار نفر -
جمعیت خرمشهر هم اکنون به
۹۰ هزار تن رسیده است که غالباً
در چهاردهی "طلال" عصر زندگی
می‌کنند. این شهر با اینکه بسیار
لذت‌رسانی‌ها را در اختیارش فوق العاده
بوجود آورده حتی یک بیمارستان هم
ندارد. تنها به تأسیس یک بیمارستان
۷۵ تخت‌خوابی که قرار بود
۱۰ سال پیش آماده شود حتی آثار
هم نشده است.

در حال حاضر تنها دو پزشک
بنگلادش و پنج پرستار مسرد
مسئولیت حفظ سلامت اهالی شهر
را بر عهده دارند.

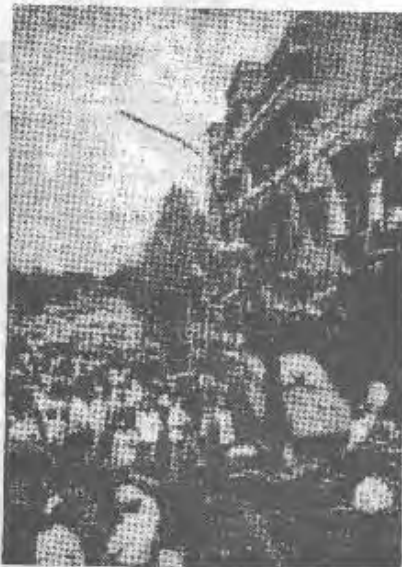
از میان جنگ شهری لیستی
ایران و عراق مرزخمکشان
هر دو کشور.

روزنامه فرانسوی "تول آبیروا -
تور" درباره ۳ مرداد خویشت
می‌نویسد: "چند روز پیش با

عبور از روی پلی نرخموده یکیلو
متری بغداد را شدگان سرمت خود
را کم می‌کردند به مشاهده
اجساد میگرداختند سر روی دار -
بسیار نوشته شده بود: "اعدام
سریه‌زان فراری".

آری و یکس دیگر از ارمغان های
جنگ شهری لیستی ایران و عراق
برای زخمکشان نوکهوره با باید
با اجبار به جبهه ها رفتن برای
موازی کردن بود به جبهه سر -





محل انفجار بمب در راه آهن تهران

خوبه آنان صورت گرفته است. رژیم با اینگونه اعمال عسردارد تا از بگرفتار چهره کریسه خود را در پس نقاب "مقاومله با تروریست" و "هوا عمل خارجی" پنهان کرده و توجهی برای حکومت نظامی و ظالمان موجود نرجهامه داشته باشد. از طرف دیگر با این کار خود انان توله ها را برای چند صاخی دیگر هم که شفه ۱۸ ماهه - شب و مشکلات روزمره و بحرانهای شبد اقتصادی - اجتماعی به کمراه برود.

طبق اظهارات شرکت نفت ایران و شرکت مینوشی (جمهوری اسلامی) این پروژه (تعداد ۱۵۰ نفر از کارکنان ژاپنی هم اکنون در محل پروژه مشغول تعمیر خسارات وارده هستند.

روزنامه معتبر اقتصادی ژاپنی () اظهار داشت که شرکت ژاپنی ماختمار مجدد این مجتمع پاکه ۸۵ درصد آن کامل شده با اتمام ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع و متخصص دیگر آغاز خواهد کرد. ایران نرماه ۵۵ میلیون دلار را بابت بهره ۵۲۱ میلیون دلاری کسه از ژاپن دریافت کرده بپردازد حق مالکیت این مجتمع بطور مساوی بین شرکت نفت ایران و سرمایه گذاران ژاپنی تقسیم شده است.

بمب گذاری دیگر توسط رژیم جمهوری اسلامی

با انفجار بمبی کسه در روز پنجشنبه اول شهریور در میدان راه آهن تهران توسط جمهوری اسلامی کار گذاشته شده بود. بنا بر گزارش خبرنگار و ساجیش از ۲۲ نفر جان خود را از دست دادند.

تیرامه به ۲۰۰ نفر روانه بیمارستانها گردیدند. انفجار در یکی از خلوفترین توای مرکز خرید و فروش کسه محل کب و کار مردم محروم چامه ست صورت گرفت. در نزدیکی محل انفجار دو مسافرخانه قرار داشت که مسافران آن عملیات زخمی شدند.

رژیم جمهوری اسلامی این انفجار را برای ایجاد توهم و به آشوب کشیدن انان توله ها از مبارزه انقلابی انجام داد. این تاکتیک رژیم تاکتیک جنبدی نیست. تاکنون شهادت زیادی از این نمونه انفجارها را که همگام مردم بیگناه و محروم قربانهای آن میباشند.

انسان زنده ۲۲

است که این دو انفجار خبر کسه بر علیه رژیم آمریکای جنوبی صورت گرفته در ۱۸ ماهه همان ۱۵ انفجاری است که از سال ۱۹۸۲ تا بحال بر علیه کمپانی ها و سراجز فولتن آمریکای جنوبی انجام گرفته است.

برای حمایت مادی و معنوی خود بآدم زنها با نامهای بگیرین:

سیاهکل
SLAHKAL
P.O. BOX 18416
HOUSTON, TX 77223

دروغ‌های بزرگتر از دروغ‌های "گوبلز"

کتابخانه

جمهوری اسلامی همواره بطور علنی گفته است که با آقا هسی



Evin Prison's Central Library.

توده ها مخالف است و همین رابطه با هرگونه کارگاه -
گزاره یا خفونت برخورد کرده است .
حمله گشوده و سازمان یافته به روزنامه ها ، کتابخانه -
نه ها و ... و سرانجام دستگیری شکنجه و حتی اعدام
افراد و عناصری که بکلام اعلامیه همراه داشته اند گزاری
بود که رژیم لفظی از انجام آن کوشا می نکرده و نمیکنند
ولی اکنون با نمایش دادن حکمهای جعلی از کتابخانه
و آتش فرزندان این!! میفرموده و نمودار کنند که زندان -
نیان سیاسی آنرا نه میخوانند از کتابها و کتابخانه
سیره امتد شوند.

" گوبلز " یکی از سردمداران قانیم هیکلسری در
آلمان معتقد بود که: دروغ بزرگتر بزرگتر باشد
بیشتر مورد توجه مردم قرار خواهد گرفت،

رژیم جمهوری اسلامی از تعاریف سلفا ثابت خود بخوبی
دور گرفته و با صرف مدارج هنگفتی از ثروت ملی با همه
تعلیمات بین المللی برای برده پوئی چهره جنایتکار
خود برداشته و در این تبلیغات به بشردانسته ترس
نیروها دست زده است ، در شرایطی که بیش از ۳۰ هزار
نفر به جرم های اعدام سیرده شده و نزدیک به ۱۰۰
هزار نفر از انقلابیون و مبارزان فرزندانهای قرون
وسطی و غربی و خشتهاکی بسر میبرند و حتی اوضاع
زندانیان رژیم آنتوان ویم است که تاکنون به هیچ
یک از مراجع بین المللی اجازه بازدید از زندانیان
سیاسی را نداشته اند اما شاهد توفیق رژیم از وضعیت
زندان و زندانیان فرشریات انگلیسی و عربستان
که بطور بیگان در اختیار خارجی زبانان توزیع میشود
هستیم ، اخیرا دستگاههای تبلیغاتی رژیم نرنشورسه ای
بتام "محبوبه" ارگان زندان مطمان رژیم مقاله ای
تحت عنوان " زمانیکه زندان ها زندان نیست" طرح کر -
ده است که در آن سعی دارد تا اوضاع شکنجه گاه این را
دیگرگون جلوه دهد.

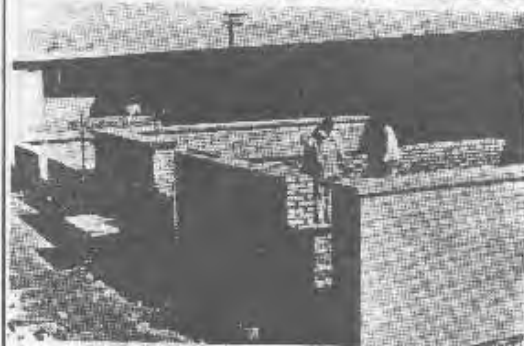
ما از همه همپندان مبارز می خواهیم تا با افتخار و جسور
و افعی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی دفاع از
زندانیان سیاسی این تبلیغات نیرومندان رژیم را افشا
کنند.

دروغبر اسراء و زندانیان سیاسی که دلیرانه در مقابل شکنجه های
قرون وسطانی درخیمان رژیم جلاد مقاومت میورزند!



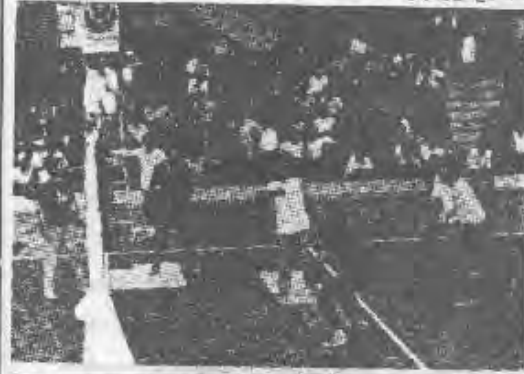
Family of 8

است که زندانیان سیاسی متاهل بتوانند با خانواده خود در محوطه زندان اویس زندگی کنند!!



Residential Units especially designed for married prisoners

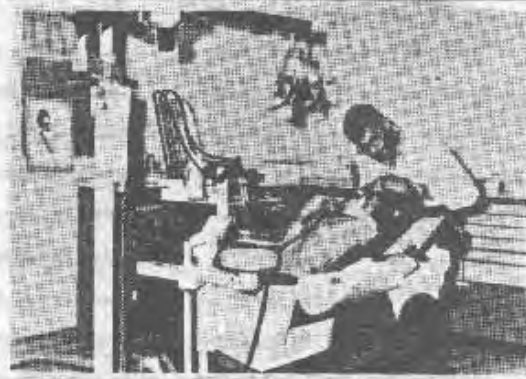
فرزند هیتلر با زندانیان سیاسی در حال بازی است!!
بهر حال ما هیچگونه توضیحی که بتواند ما هیتلر را
تسلیح رژیم را افشا کند کافی ندانیم



Children ball with brother Lavasani

زندانیان تهرانی

امولا شکنه گران برای کشف سرار ما زمانی از انقلاب
و میا زمین با شومل به شکنه های قرون وسطا شرا جمله
کشیدن زندان و شاخن و بوزن شدن با سگای و شوک الکتریک
یکی و ۱۰۰۰ و تحویل فشارهای گوناگون بر روی زندانیان
سیاسی ایجاد معیشت ما بعد درون زندان از هر...



The Evin Hospital - the dentistry ward.

کوشش فریادگری نمی کنند ولی اکنون گویا مسردوران
اطلاعی به مذاوق زندانیان سیاسی پیدا شده است. تا میاید
آنها فرد و رنجی متحمل شوند!!

ملاقات زندانیان و ما ختمان برای متآلان زندانی

شعبه با ری رژیم در رابطه با ملاقات زندانیان سیاسی
شاید مسخره تر از همه باشد. همه میدانند که رژیم
پس از اعدام زندانیان سیاسی ایجاد آنان را در منطقه
ای مخصوص دفن میکنند که هیچ کس حق رفتن به آن محوطه
را ندارد و فقط خبر اعدام آنان را برای دربار
پول فشنگانه خانواده اشان میدهند. ولی اکنون فریب
کاری رژیم شادمان حد رسیده که از یکطرف مدعی است
که ملاقات زندانیان سیاسی با خانواده اشان به
بهترین شکلی صورت میگیرد و حتی در جهت تهیه مکزهاش

اخبار جهان

آرژانتین

روی کار آمدن دولت غیرتلاسی در آرژانتین پس از سالهای طولانی حکومت نظامیان در این کشور امبریا لیست ها امید داشتند که شاید دولت غیر نظامی بتواند از شدت وحشت بحران سیاسی - اقتصادی بگذراند ولی بهران فزاینده این کشور همچنان با مشکلات زمینگشان آرژانتین می باشد. طبق اخبار اولیه انتخابیه های کارگری این کشور تصمیم گرفتند تا یک اجتماع عمومی بکروند برای افزایش حقوق را به اجرا در آورند.

دانشگاه های دولتی آرژانتین که در تاریخ چهارشنبه ۲۹ اوت بر روی رسیدگی به علل هرج و مرج آرژانتین تشکیل شده بود شروع و های گارد مسلح و ارتش آرژانتین را متهمین اصلی گشت و کشتارهای سالهای ۷۶ تا ۷۹ شخصی داد. همین دانشگاه مستو - لیس رجولن و نفقود شدن بیست و از ۸۰ تن از نیروهای مخالف رژیم و همچنین کشتارهای بعد از سال ۷۰ را ارتش و مزدوران گارد مسلح معرفی کرد. در همین رابطه

دانشگاه حکم جلب ژنرال گوسیا - نو مندین فرمانده سوم ارتش این کشور را بخاطر عدم رعایت حقوق بشر (در دولت قبلی) صادر کرده است. و اما واقعیت چیست؟ در پی گسترش موج اعتراضات توده ای در اوائل سالهای ۷۰ در آمریکا ی جنوبی و مرکزی و تأثیر دولتهای ملی از جمله دولت ملی سالوادور آلنده در شیلی، امبریا لیستها برای جلوگیری از بسط دامنه جنسی خود ای و حفظ سلطه خویش در آن منطقه اقدام به انجام مساعری کودتاها و برقراری حکومت های نظامی نمودند تا بهیچ وسیله با اعمال شیفته شوروی مریبان و سرکوب وحشیانه جنسی و با حاکم نمودن لفظای نیکتای توری و خلقان با آسردگی به برنانه اشتها رگرا نه غنود بپردازند. با هر چه طولانی شدن حکومت نظامی ها در آرژانتین (حدود ۱۰ سال) که اکنون بعنوان یک فاکتور مناسی نقشش بازی میکند امبریا لیستها بر آن داشته است تا با اتخاذ بگری تا کتیبهای نو استعماری نه چندان جدید به محتبهای

استعماری خود شکل دیگری بدهند. برآنها ای ۷۳ و ۷۴ در برزیل ما عهد اجرای این نوع سیاستها که معرفی آن دولت کایزل بود هستیم و با اتخاذ تا کتیبهای دیگری در همین رابطه خدمت گرفتن مذهب برای رخنه در صفوف متحد خلقها و از نظر بق به کجراه برهن و مقابله با این مبارزات و بطریق اولی تبیین کردن آن از محتوای انقلابی، بنا بر این تنها در این زمینه سیاست اتخاذ بگری سیاستها ی جدید از طرف دولتهای دست نگاشته و از آنجمله دولت آرژانتین را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل فریزر داده. اگر بنا بر روی شاهد صدور حکم قصاصگری و محاکمه ژنرال سنسولر در آرژانتین میباشد، این همان سیاستی است که حکم جلب تا ملین قتل چهار زن روحانی در الماسا لوانور در سال ۸۲ را صادر کرد و با همان سیاستی است که توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران بعد از قیام سال ۵۷ حکم اعدام هویداها و بعضی از مسئولین رژیم شاه مزدور را به اجرا در آورد.

کوره جنوبی

کمیانی کراسپلر و شرکت گره ای
سم جون موافقت کردند که از این
پس ما شنبای کراسپلر لریکشور
کوره جنوبی ساخته خود و سپس
به آمریکا بفرست شوند. سهام این
شرکت بطور بنجاء و پنجاه بیست
این دو کمیانی تقسیم خواهد
شد و هزینه آن بالغ بر ۱۰۰
میلیون دلار تخمین زده شده است

خاورمیانه

کاهانی نام یک خانم یهودی
است. این شخص در محله بروکلین
نیرشهر نیویورک متولد شده است.
کاهانی یکی از افراد روحانی
ارتدکس کاسینه جدید اسرائیل
می باشد که خواهان پیروزی تسنان
عرب از سرزمین جداییگمان
است. کاهانی روز ۲۹ اوت همراهِ

با سه اشوبوس حامل گارد
سلح شخصی خود قصد ورود به
بزرگترین محله هریونش
یکی از مناطق اشغالی به نام
کالیاس را داشته که در ملکومست
و اعتراضی شونده های یکبارجه
روبرو شد. به همین خاطر پلیس
از ورود او به این منطقه
جلوگیری نموده و او را باز
گردانید. همان شب را تیسو
اسرائیل در مورد این حرکت
کاهانی اعلام کرد که رفتن او
به مناطق عرب نشین باعث هرج
و مرج صراصری خواهند شد.
برای اعتراضی به ورود کاهانی
هزاران جوان خشمگین غریب و
بسیاری از یهودیان مترقی
و دیگر ساکنین این منطقه
با پرشاب سنگی به پلیس و
ماشین کاهانی خواهند جلوگیری
از ورود او. شب گذشته پلیس
فدایت اسرائیل که به گاز
اشک آور و ضرب و شتم معتزترین



کاهانی دمکراسی یک مفهوم یهودائی نیست.

قصد برکننده نمودن تظاهرات
را داشته. اعتراض یکبارجه
معتزترین روبرو گردید و در اثر
مقاومت تظاهرات کنندگان و پرشاب
سنگی از جانب آنان ۱۶ نفر از
افسران پلیس مزبور اسراقتیل
مجرور شدند و بلاخره پلیس
فدایت مجبور به جلوگیری از
ورود کاهانی به این منطقه شد.
لازم به توضیح است که کاهانی
بعد از این حادثه برای دریافت
حمایت هرچه بیشتر برای نقشه
ثوم خودسینی بر اعراج کلیه
عربان از فلسطین اشغالی به
به آمریکا سفر نموده است.

لبنان

هوای بهماهای اسراقتیلی در روز
مورثید ۱۰ سپتامبر با احتفاده
از تاریکی شب در فوسین حمله
هواشی خود به «باصری» دریلند.
بهای طرف سپروت به بمباران
و انهدام یک ساختمان و انهدام
انبار مهمات متعلق به نیروهای
ثو روز پرداختند. این حمله
به زخمی شدن ۳ نفر و کشته
شدن یک چریک با ما با فلسطینی
انجامیده. این چریک که ابوموسی
نام دارد همان کسی بود که
بعد از خیانت با سر عرفیات
به آرمانهای خلق فلسطین او
و هوادارانش را از جبهه

آزاد میباشند فلسطین بیرون رانده
شود.

راهیو اسرائیل در همین رابطه
ادعا کرد که این حمله بسرای
پایخ به "پنی بری" یکی از
وزرای جدید کابینه لیسان
بوده و یکشنبه ۹ سپتامبر
مردم درخواست اجرای یکسری
"حالات اضطراری" بر علیه
شروهایی اشغالگر اسرائیلی
در جنوب کرده بود.

★ پی برجیل رهبر و بنیانگذار
حزب فاشیست لیسان در سن
۷۸ سالگی مرد. بعد از حمله
مشاورانه اسرائیل به خاک
لیسان (سال ۱۹۸۲) وقت کنترل
نراوردن مناطق جنوبی آن حزب
فاشیست زیر حمایت کابینه
نظامی شروهایی متجاوز اسرائیل
وارد دو دهکده آوارگان فلسطین
(سبرا و شتلا) شده و
کودکان و زنان و ... سراقط -
عام شوه و چهره خونخوار و
سورکش خویش را هر چه بیشتر
میان کردند.

مراکش

حمایت فرزندانش اقامه دارد.
یک زندانی سیاسی بعد از چند وقت
فوجاه اعتصاب غذا در ۲۹ و ت فر

بیمارستان جان خود را ششبار
انقلاب نمود و حماسه مقاومت
در زندانهای رژیم های وابسته
و ارتجاعی را هر چه بیشتر
نمایان کرد. وی در طی درگیر -
بهای ژانویه سال گذشته دستگیر
و به ۱۵ سال زندان محکوم کرده
او یکی از ۳۰ زندانی سیاسی
بود که برای اعتراض به شرایط
بد زندان در اعتصاب غذا بسر
میبرد.

گواتمالا

انقلابیون مطح حمله بزرگ ارتش
را دفع کردند.
"ما زمان مردم مسلح گواتمالا"
(O.R.P.A.) گوارش داد که
موفق گردیده تا حمله ارتش را
سن ۲۰ ژوئیه تا ۱۲ اوت فرستاد -
ن * سان مارکوز دفع نمایند.
بیش از ده هزار سرباز دولتی
با حمایت شروهایی هوایی در این
حمله شرکت داشتند. چریکهای
ارپا (O.R.P.A.) دعای ارتش
را مبنی بر خدمات شمشیرزده بر
چریکها را رد کرده و گفته اند
که در ۲ درگیری با ارتش مزبور
گواتمالا چریکها بیش از ۱۲۲
نفر ارتش را کشته و بارخمسی
کرده و گفته اند که بیش از ۱۰
نفر در این بمبارانها کشته
شده اند و ۱۶ نفر دهقان شیش
از دهکده بارانگا و کالوز

توسط ارتش برای تلافی یکی از
حلات چریکها بقتل رسیده شدند.
چریکها ارتش لغز (E.G.P.)
در استان هریس هواتانگو به
شروهایی مزبور ارتش فرماتسی
وارد آورده اند. هر دو زمان
چریکی فوق الذکر عضو اتحاد
انقلابیون ملی گواتمالا میباشند
(جبهه ای از زمان ها مسلح
انقلابی در گواتمالا که پس از
سالها مبارزه در او اثر نهی
فتاد (اوتیل ۸۰) شکر -
شده است).

آمریکها

در تاریخ چهارشنبه شب ۲۶ سپتامبر
صبر دو بصبه یکی در مرکز
تحقیقات کابینه در ۴۰ مایلی
نیویورک و دیگری در مکزیکو -
لگری آفریقای جنوبی در مانیتا کان
نیویورک منفجر شد. در تماس
تلفنی با خبرنگاری بوئا بتلبریس
یک نیرو بنام "مقاومت چریکی"
مسئولیت انفجار در کنتسولگری
و جریان دیگری بنام "جبهه
متحد برای آزادی" مسئولیت
انفجار در مرکز تحقیقات کار -
بیت را بعهده گرفته و میباید -
است آمریکا و رژیم نژادپرست
آفریقای جنوبی را محکوم نمود -
نه اند. در تحقیقاتی که اف -
ب - آی (انجام داده گفته
بقیه در صفحه ۲۷

۱۰ ماه از صفحه ۸

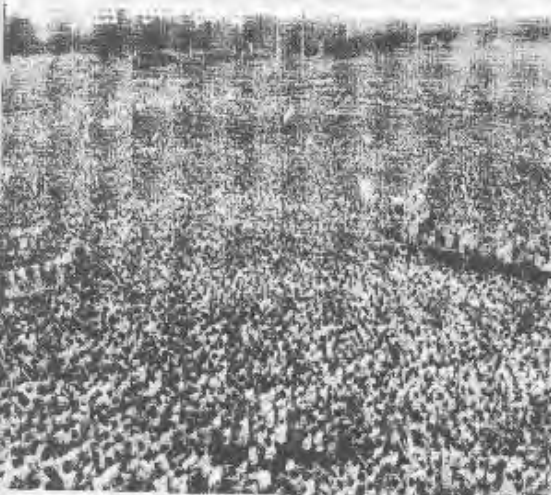
جنبش انقلابی و مبارزات توده ای است - همانطوریکه گفتیم تمام احاد شرایط عینی مبارزه متنفر بسیار شدید مردم نسبت به رژیم و بیانگر این طایقت است که میرزا زود رژیم در مقابل طوفانی از مبارزات مردم قرار خواهد گرفت - اگر خط مبنی انقلابی و ضروری این مرحله از جنبش عدا میرزا نیستی ما بتواند توده ای گردد یعنی مبارزه مسلحانه به مفهوم جنگ انقلابی بتواند گسترش یابد بی شک میرزا لایم و سر - شور شورا به گورستان تاریخ سپرده خواهند شد.

امروز وجود جنبشهای توده ای بالفعل مانند جنبش خلق کرده مبارزات قهرآمیز پرکننده ارتفاع مختلف ایران وجود نیروی بالقوه و فتنه ولی آماره ... مقدار توده ها و ... قتلها کتورهای هستند که نیروهای انقلابی می توانند بر زمین آن انقلاب را شیبش زمستان ایران را به عصر طلایی هدایت کنند و سیر تغییر و تحولات آینده را به تسبیح انقلاب تغییر دهند و تاکتیکها و جاسازیهای میرزا لایم را برای حفظ حاکمیتش عقیم گذارند.

با جنگی از جانب اقلیت هندی آفریقای جنوبی بهتری - دلیل بر اتحاد مبارزاتی تمام اقلیتهای ملی با اکثریت میا هیومت در مقابل حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی می باشد - مبارزات حق طلبانه میا هیوستان و دیگر اقلیتهای ملی تا پایان رای گیری و انتخابات جدید وجود داشت - در چند روز اخیر شیب اشتراکاتی بصورت مسلحانه و قهرآمیز از طرف میا هیوستان این کشور انجام گرفته است -

فیلیپین

مرا و اخر اوت - نیم میلیون نفر در شهر مانیل به دست یکمین مالگرد ترور رهبر آوریسیون فیلیپین (سینگو آکیو) دستگیر شده - هزاران نفر در این شهرات گوارش پلیس این کشور چهل و چهار نفر در این شهرات دستگیر شدند - ظاهرا کنگره با برتیب سنگا به مانیل و آتش زدن لاسیکاموشم و انرجار خود را به میرزا لایم و مزدورانش نشان میدهند - در این روز مدارس و مراکز خرید و فروش همگی تعطیل بودند.



تجمع ۵۰۰۰۰ نفری در مانیل پایتخت فیلیپین بر علیه رژیم آن کشور -

آفریقای جنوبی

تولت نژادپرست آفریقای جنوبی اولین قاتل سون اساس این کشور را که به نژادهای دیگر (به غیر از اکثریت میا هیومت که ۸۰ درصد جمعیت آفریقای جنوبی را تشکیل می دهند) حق شرکت در انتخابات و داشتن نمایندگی به پارلمان این کشور را میدهد - تمویب نمودن آستانه اره که این "قانون اساسی" اقلیت های مختلف به مخالفت با آن پرداختند بطوریکه در نظر آنها می او خرده گذشته ۳۵ نفر از رهبران هندیان و دیگر اقلیتها دستگیر شدند و فقط ۱۸ درصد از ۸۰۰۰۰۰ نفر اقلیت هندی این کشور آنتیم با حمایت گارد مسلح این کشور به پای صندوقهای رای برده کنند - تحریم انتخابات

گزارشی از يك تظاهرات

متعاقباً سرگزاري مجمع نمایندگان
 جمهوريخواهان " برای آشنايی با وضع
 جمهوري آمريکا (۱۹۸۵) در شهر دالاس - تگزاس - دسته‌ای
 از ساواکي های فرازي و سلطنت طلبان طبق سنت و نيز
 ميريشه خود به پاسپوس و چاپلوس ايرانيان
 خوشوارشان آمده بودند تا شاهد تظاهرات
 را درگوي طوف دهند بلکه با استعداد و
 نمایندگان بخشي از اميراليستها بخوانند
 خود را شامل حال اين مزدوران نموده و تاج و
 به گور سپرده شده آنان را به ايران بازگردانند.
 اين دارويسته که عمدتاً از اوباشان و
 رژيم سابق تشکیل شده بودند مريدان
 حاکمي پليس و گاردهای مخصوص با شعاري
 ضد کمونيستي و ضد مردي، چاکري و نوکري
 بارگاه "جمهوريخواهان" به نمايش گذاشتند.
 بگويي ميدانند که خلقهاي متميله
 تنفر عظيمي به رژيم پهلوي و هر رژيم
 نظير جمهوري املاسي بدل دارند بنا بر
 بغيرت رسيدن موريا خود را در
 ليتها و تخمين نوکري هرچه
 و در اين راه از هيچ کوششي
 شينده.

مردم سپين ما بچاه مال
 پهلوي را فراموش نکرده است
 تاراج سپين مان را توسط
 نکرده است مردم ما
 و خشيانه مبارزات حق
 توسط رها شاه فرازي و
 نکرده اند مردم ما
 بهترين فرزندان سپين
 به و خشيانه ترين شيوه

ساواکي شکنجه مي شدند هرگز
 ولي همان شکنجه گران
 ميريشه چه بي شرمند
 اي بلاد حرکت باي!
 هم سپيدان من!
 برای افشای هرچه بیشتر ماهیت این مزدوران
 از یکطرف و نشان دادن جنایات رژیم جمهوری املاسی
 از طرف دیگر، سازمانهای دانشجویی مترقی و مبارز در
 تشکیل دادند:

- سازمان دانشجویی ۱۹ سپین برای آمریکا هوادار
 چریکهای فدائیس خلق ایران (ارتش رها لیبیش
 خلقی ایران)
- سازمان سرسری دانشجویان ایرانی برای آمریکا
 هوادار (چریکهای فدائیس خلق ایران) و
- سازمان دانشجویان ایرانی برای آمریکا
 هوادار سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران
 در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۹۸۴ اقدام به سرگزاري
 تظاهرات مشترك نمودند. تظاهرات با حمل
 ميني بر افتاي جنایات رژیم جمهوری املاسی،
 سلطنت طلبان و اميراليسم آغاز گشت و سپس
 صحنه آملن شاه پرستان دانشجویان با شعار
 "مرگ بر ساواکي فرازي" و "مرگ بر جمهوري
 املاسي" به استقبال اين مزدوران شتافتند.
 طول تظاهرات دانشجویان با حقوق منظم خود
 مبارزات خلقهاي متميله ايران و نشان دادن ماهیت
 اميراليسم و مگيای زنجيريش پرداختند. سلطنت طلبان
 با مشاهده فشرنگی و نظم صف تظاهرات از يك طرف و
 خشم تظاهرات کنندگان از طرف دیگر، هر لحظه به
 نشيوان افزوده مي شد تا آنجا شیکه نيگر با
 کلمات زکيله نائی از فرهنگ مخاطبان به فحاشی
 بقیه در صفحه ۴۲



مصاحبه با

سالوادور کاپتانو

گاریسیو

رهبر نیرو های رهایی بخش خلق

سالوادور کاپتانو کابوی نامی که در آمریکا ی مرکزی معنای عظیمی دارد، نه مرده است و نه در خارج از کشور کشت داده. او رهبر عالی نیروهای رهایی بخش خلق را با نفوذی می باشد و نام مستعار او در تشکیلات مخفی رفیق "گاریسیو" است.

برای مدت ۱۰ سال هویت رهبر عالی انقلابیست را تا زمان سیاسی - نظامی این خلق درگیر جنگ با برای همه مجبور بوده است. همچنین از سرکشت اول رهبر با نفوذ طبقه کارگر که زندگی آینه ای از مبارزه خلق سالوادور در ۱۰ سال گذشته است نیز اطلاع در دستش نبوده است. او مرز بین حقیقت و صورت مردم را پشت سرش نهاده و برای آنها بصورتیکه خواهد درآمد بود.

نام سالوادور کاپتانو کابوی نام میگذاشته ای نیست. برای محرومین این نام شده ای صمیمیت است و متعلق به خود آنهاست. میدانی است برای رهایی و برای

توضیح:

گزارش زیر متن ترجمه شده قسمت اول مصاحبه ای است که در تاریخ فوریه ۱۹۸۰ توسط آنژس خبری کوبا "پرتلاش" انجام شده و در ماه های مارس و آوریل در شماره بین المللی روزنامه کوبا ش "گراشا" به چاپ رسیده است. ما بخاطر اهمیت اخبار انقلابات آزادی بخش و نیز مطالب مهمی که توسط یکی از با تجربه ترین انقلابیون آمریکای مرکزی بیان شده است اقدام به درج آن در دو شماره از نشریه سیاست ما کردیم.

ما لطیف مواضع یا تحلیل های مطروحه لزوماً بمعنای خود تا شاید آنها از جانب ما زمان ما تعبیر شده.



چهارده فامیل و پانزده زبان سرمدیه آنها این نام مترادف است. جدا جدا هستند برای بیان اجتنابنا بتیسر دوران بی عدالتی اجتماعی. هر حقیقت همه مترادف الحاد و دور با خصوصیات برجسته رهبری و فدائیکاریهای مالودور کاپتانو کارپو آشنا هستند. شخصیتی که وجود خود را بی مقابله فدای بهروزی خلق خود میکند و بر این راه حتی خانواده خود را از دست داده است. خانواده ای که طغیان از تاریخ ایمن کشور با خون آنها نوشته شده است.

تواضع و فروتنی که این انقلابی ۶۰ ساله با خصوصیات مشخص کارگران بومی آمریکا از خود نشان میدهد، مسلماً ریشه درخویش دارد که او بیست و نه سال جزیره و مارتینیک خود فر خاسته عالمان زندگی میگردد است و همچنین این تواضع و فروتنی ریشه در خویش دارد که او نیروی مذهبی را در کونیه کارگری میآموخت (خویشی که بر ضد راه مصلحت گسند) و بالاخره این تواضع و فروتنی ریشه در خویشی دارد که او به عنوان رهبر عظیم کارگری اولین مبارزات خود را برای ایجاد بیترین شرایط کاری زندگی یعنی گسند شدن با برپا شدن شروع کرده بود.

در تمام مناطقی که مضامین با مالودور کاپتانو کارپو انجام میشد، اصول انجمنی به شدت رعایت میشد. از نکاتی که نویسنده مقاله طی سه روز مضامین با مالودور کاپتانو کارپو به آن پی برد و محسوس نمود این سازمان سیاسی - نظامی از بین نوده ها بود و همین یکی از علل تضعیف کننده امنیت و موفقیت تمام تلاشها بود.....

هر تمام طلاقات هایی که در تقسیم کودکان، زنان و حتی بالکندان تا شعاع چندین کیلومتر مشخص انجمنی تشکیل داده و به شگفتی مشغول میشوند. بدین ترتیب مسئولین اولین نگاهانی این بسود کدبا مشاهده اولین غلبه حضور نیروهای مرکزگسترش منطقه با انگار بعضا با این نگاهتان اطلاع دهند ها

آنها هم بلافاصله مارشالیم از منطقه خطر دورکنند. البته هیچگاه چنین اتفاقی نیفتاده زیرا منطقه ای که مضامین بر آن صورت میگرفت از نظر سیاسی توسط حزب و از نظر نظامی نیز توسط نیروهای مسلحها فیصله خلق (ارتش خلق یا چریک ها یا سلیشیا) سازماندهی شده بود. علاوه بر نیروی انقلابی خلق (B.P.R.) نیز به سازماندهی توده ای این مناطق نظارت کامل داشت.

نیروهای رهایی بخش خلق را با ندمان

مرجه تاریخی و چرا سازمانها را با ندمان رهایی بخشیدند؟

"شروع کار به ۱۹۶۰ میلادی میگردد یعنی تاریخ اول آوریل ۱۹۶۰ در این تاریخ پروژه انقلابی خلق ما صورت تشکیل چنین جریانی را طلب میکرد. پروژه ای که به حد خاصی از مبارزه طبقاتی رسیده بود و از نظر سیاسی - سازمانی شوی ای از مبارزه را طلب میکرد که قادر باشد در تمام سطوح مبارزات طبقاتی را بسط پیش ببرد. این احتیاج زمانی اوج گرفت که پیشنهاد یک رشته سیاستها بدینولویکی با سازمانهای قبلی سیاسی این نکته آشکار شده بود که آنها سرخشانسه از رهبری طبقه کارگر (در مجموع رهبری خلق) در مرا حل هایی تر مبارزه امتناع می ورزند. سازمان های سیاسی قبلی سرخشانسه منکر آن میشوند که خلق الحاد و دور آزادی آنها دارد تا وارد مرحله جدیدی از مبارزه سازمانی یعنی مبارزه عملیانه بشود. این سازمانها علاوه منکر رجعت گری انقلابی در طبقه وسیع مبارزات خلقی میشوند....."



که در آن لحظه به ضرورت این مبارزه انقلابی شرکت‌کنندگان
 بی‌برده بودند لازم نبودند که با تشکر تمام ولی مرمی
 راجح از زمانه‌هایی که در گذشته تمام وجود خون‌فدای
 آن کرده بودند کنار بگیرند. بدین ترتیب لازم بود تا
 طرق مؤثرتری جهت مبارزه خلق ایجاد شود و برای انجام
 این وظیفه لازم بود تا این افراد مسئولیت‌های سازمانی
 خود را در زمانه‌های خاص مربوطه رها کنند.....
 "چندین تن از بنیانگذاران نیروهای رها شیخ‌ش
 خلق را با نفوذی از رهبران با اعتبار جنبش
 کارگری بودند که بعد از کناره‌گیری از مسئولیت‌های
 خود به این سازمان پیوستند. برای مقاله حوزه فعالیت
 یکی از بنیانگذاران "تعمیر فدا سون کار" بود و
 مسئولیت دبیر کلی آنرا نیز بعهده داشتند. رفیق
 رنستوروالس مسئول و دبیر کل سازمان جوانان
 همان اتحادیه و به افراد دیگری که از رهبران جنبش
 کارگری بودند و برای کارآموزی در مکتب نوین انقلابی
 مجبور به ترک سازمانهای سنتی خود شدند..... همچنین
 من هم که برای چندین سال دبیر کل حزب کمونیست
 المان بودم از این مقام قطعاً دادم. من زمانی
 اقدام به این کار کردم که دیگر کاملاً روشن بود که
 نمی‌توانم حزب را به پیشروی یک استراتژی سیاسی منسجم
 سرامی متعهد ساختن و این مسئله را می‌بایست درمحل
 به خلق ثابت میکردیم. هرگاه ما عملاً صحت استراتژی
 سیاسی - نظامی را اثبات میکردیم، آنوقت نیروهای
 ما می‌توانستند امکان آنرا پیدا میکردند تا بر اساس اصول
 جدیدی همکاری خود را با سازمان شروع کنند.....
 "به بیان دیگر فقط بعد از اثبات صحت مبارزه

"بدین ترتیب اگر بین اکثریت یک لشفه درحسب با
 کمونیست المان دور و سازمان‌های متشکل از آن وجود
 نداشتند تا از حرکت خلق‌سوی استراتژی سیاسی منسجم
 و مراحل عالی تر مبارزه جلوگیری کند میتوان گفت
 هرگاه لزوم تأسیس یک سازمان انقلابی چون نیروهای
 رها شیخ‌ش خلق را با نفوذی از این نامی شده. بدین
 سازمان انقلابی خیلی سریع توانست اقتدار وسیعی از
 خلق را تحت شرکت در تمام سطوح مبارزاتی سازمانی
 کند.....
 "تاریخ همیشه ثابت کرده است که به عوامل به‌سبک
 سری فورمولهای دگم مقطعی که منطبق با شرایط سیاسی
 اجتماعی و احوالات تاریخی اجتماعی نیستند نمیتوان
 از پیروفت پیرویه مبارزه طبقاتی به مراحل عالی‌تر
 جلوگیری کرد. این همان علتی است که باعث تأسیس
 نیروهای رها شیخ‌ش خلق را با نفوذی رشتی شد.....
 "من مجدداً این نکته را تذکر میدهم که قبلاً از
 تأسیس این سازمان ضروری بود تا با حزب کمونیست و
 دیگر سازمانهای موجود مبارزات ایدئولوژیک طولانی
 مدت انجام شود. در واقع شروع این مبارزات ایدئولوژیک
 مقارن بود با پیروزی انقلاب کوبا یعنی زمانی که بعضی
 از اعضای این سازمانها که دارای پیش‌سختی بودند
 این موضوع را احساس کردند که دیگر از طریق رهنمود
 های دگم نمی‌توان پیرویه انقلاب را رهبری نمود و آنرا
 به مراحل عالی تر مبارزه هدایت کردند.....
 "در آخرین روزهای سال ۱۹۶۹ دیگر کاملاً روشن
 شده بود که المان دور و خلق آن به استراتژی جدیدی
 احتیاج دارند که تمام صور مختلف و نیالکتیکی مبارزه
 را شامل شود. علاوه بر این موضوع نیز کاملاً روشن شده
 بود که فقط از طریق مبارزه مسلحانه است که میتوان
 به نحو احسن انتخاب انقلابی خلق را سازماندهی نمود
 و طی پیرویه مبارزه مسلحانه آنرا به تنها عامل مؤثر
 انقلابی ضد انقلاب تبدیل نمود.....
 "بنابراین ما با درک این مسئله آگاه ترین افراد



بنا براین ما می‌بایست ثابت می‌کردیم که ما نماند آنجا فقط در حرف انقلابی هستیم، این یکا پروژه ما شناخته و دشوار بود و لازم بود تا مطمئن شویم که امکان موفقیت وجود دارد.

نکته دوم اینکه ما شدیداً تحت الشعاع مایکس سازمانهای بومی که در دهه ۶۰ با نیست مبارز و صلحانه به عملیات چریکی در کوهستان روی آورده بودند رفقای بسیاری از کشورهای دیگر که اهداف اشتراکی - بالستی داشتند سازمانهای مذکور را در پیشبرد امر انقلاب در ایتالیا دور باری کردند. در هر صورت بعد از مدتی این سازمانها با شکست روبرو شدند و تلاشهای

.....
ما مجبور بودیم برای رفع این سوءتفاهم به نحو دیگری عمل کنیم. به همین علت در اول کار از هیچکدام از رفقای کشورهای دیگر درخواست کمک نکردیم. این به این خاطر بود که ما احساس می‌کردیم که هنوز به اندازه کافی تجربه عملی انقلابی کسب نکرده ایم که حقیقتاً مزاور نام انقلابی باشیم..... عامل بومی شیخ در میان بود. ما نه تنها می‌بایست طولهای اولیه را به دور سازمان جمع می‌کردیم بلکه احتیاج داشتیم که سوله‌ها نیز در عمل دریا بند که بلاه ما زمان عقابا انقلابی بوجود آمده است که آمادگی آنها دارد کسان تمام طوط مبارزه انقلابی را به پیش برده..... به همین دلیل بود که ما تصمیم گرفتیم تا زمانیکه اهمیت سیاسی - نظامی سازمان از طرف توده‌ها برصمیت شناخته نشده است ما می‌بایست برای سازمان انتخاب نکنیم.....
این تصمیم در اول سطح‌های اوت - سبت میسر

انقلابی بود که میتوانستیم به اختلاف بین نیروهای هادق میدون با ششم.....
تلاش‌های نیروهای رها همیشه خلق را با خود ما رتس و کوشش‌های رفقای شهید شده ما طی ۱۰ سال گذشته همگی این موضوع را اثبات کرده اند که فقط از طریق انترناژنی انقلابی مبارزه سیاسی - نظامی طولانی بیرون که خلق ما امکان پیشرفت به مرحله عالی تری از ما - رزه را پیدا کرده است. بطوریکه امروز هیچ فرد هادقی در ایتالیا دور نمی‌تواند انکار کند که تنها راه واقعی خلق ما همین مبارزه نوین میباشد.

در هر صورت برای تومال اول یعنی ملی مالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ سازمانی که امروزه به نام نیروهای رهایی بخش خلق را با خود ما رتس شهرت یافته است هیچ نامی نداشت. علت آن چه بود؟
این یک تصمیم گیری بسیار ساده بود و مادرانین گروه‌هایی سازمان در رابطه با ملی سازمان این تصمیم را گرفتیم زیرا راهی که ما انتخاب کرده بودیم تاکنون در بوته آزمایش فراوانی رفته بود و ما می‌بایست بعنوان انقلابیون نظم نوین با اعداکاری بسیار ایمن مبارزه طولانی را به پیش می‌بردیم.....
ما قبل از هر چیز می‌بایست قدرت کافی جهت پیشبرد چنین مبارزه ای را در خود جستجو می‌کردیم و می‌بایست مطمئن می‌شدیم که ما بعنوان مردم هادی قادر به ادا مسد مبارزه هستیم و میتوانیم با اعداکاری‌های زیاد در اسیط سخت زندگی ماضی را تحمل کنیم.....
این بدین معنی است که ما احتیاج داشتیم تا خود را در عمل ارزیابی کنیم و ببینیم که آیا میتوانیم ششوری را در عمل نیز پیاده کنیم یا نه و برای رسیدن به چنین جوابی فقط تجربه عملی لازم بود.....
برای اینکه در گذشته در ایتالیا شور شوری های بسیار زیادی وجود داشت و ما بر علیه شورهای ایمن انقلابیون پشت میز نشینان ا مبارزات زیادی کرده بودیم



کردیم که آیا مبتدای تکلیف ما زمان فارابا نفعی داشته

بلکه گامی چریکی بود؟

”شما باید توجه داشته باشید که انقلابیون با

آگاهی از شرایط مین و ترک موقعیت نقطه حرکت برای

تغییر و تحول را در نظر میگیرند، و حالا موقعیت ما

چگونه بود؟

”گروه اولیه بر عضویت از ”مقر“ شروع کرد. ما

با کمبود امکانات روبرو بودیم و از نظر مالی و جنگی -

انرا، و علوم نظامی در مقیاس بودیم. ولی همزمان

با این مسائل لازم بود تا به مردم تائید شود که آنها

فشار هستند که با آنها به قدرت خود اطلاع بخشد بگیرند

و بر علیه دشمن سرکشی کنند. پس دوره در مقابل ما وجود

داشت. یکی اینکه دستار بر این ضرورت بگذاردیم و

ما زمانی به مردم عرضه کنیم که از هر نظر در مردم

مبارزاتی بی کفایت باشد و دوم اینکه به تشکیل هسته

چریکی مسلح بپردازیم. ما این راه آخر را انتخاب

کردیم.....

”کامل مهم تر این تصمیم گیری این نکته بود

که اکثر افعای ما زمان فارابا نفعی از میان

کارگران برخاسته بودند و ریشه در طبقه کارگر داشتند.

ما تعداد زیادی از مبارزات

کارگری راهبری

کرده بودیم و در این زمینه تجربیات زیادی کسب کرده

بودیم و بدین ترتیب سطح آگاهی خود را در مسجورد

احتیاجات طبقه کارگر بالا برده بودیم. ما به یمن

نتیجه رسیده بودیم که بعد از انقلاب ایران نیکتاشوری

نظامی دیگر از طریق انتخابات این مملکت به جایی

نمی رسد و اینکه اتحادیه ها دیگر قدرت کافسی را

۱۹۷۲ گرفته شد تا آن تاریخ تعداد زیادی از رفقای

سپاهکلی ما در سیرد با دشمن شهادت یافته بودند. شهادت

آنها نمونه ها را تکان داد زیرا آنها متوجه شدند که

رفقای ما تا چه اندازه آماده فداکاری در راه خلق

هستند. این روحیه فداکاری رفقای شهید مورد تحسین

مردم ایتالیا نور فرار گرفت.....

”علاوه بر چند عملیات مسلحانه نیز در سطح بین المللی

انجام داده بودیم. برای مثال بعد از جنایت TREVISO

ما مبارزات آرزوآشتین را مسلح کردیم. نرفض چندین

رشته عملیات مسلحانه نیز بر علیه امپریالیسم انجام

داده بودیم که همه آنها خلق ما را تکان داده بود

و مردم از وجود چنین سازمان پر قدرت در عرصه مبارزه

کاغذ متحیر شده بودند.....

”بعد از آن زمان مناسبی که زمینه کاغذ مهیا

شد بود ما اعلام موجودیت کردیم. نیروهای رفاشیستی

خلق فارابا نفعی را به بنسب اعلام موجودیت نیروهای

ما کار تبلیغی در میان مردم را شروع کردند. هدف ما

بسیج همه مردم و برپا بی یک جنبش وسیع بوده.

هسته چریکی مسلح

معمولاً اکثر سازمانهای سیاسی بر اساس شیوه های

کلاسیک سازمانی در زمانی که ضرورت وجود بخش نظامی

را احساس کنند مستعد تشکیل شاخه نظامی میزنند و

ضرورت یک سازمان سیاسی - نظامی در میآید. اما در مورد

ما زمان فارابا نفعی ترتیب کار بدین صورت نبود.

ما آنجا شکی به این سازمان انقلابی در ایتالیا -

نور مربوط میخواند نقطه شروع یک هسته چریکی ما نه بود

که با حرکت دیالکتیکی در جهت تشکیل وسیع پیشرفت کرد.

این حرکت که بر مبنای آگاهی طبقه ای حریف بود امروزه

میواند باعث یک جنبش کیفی و کبی در سطح مبارزاتی

توله های محروم بشود.

”در اینجا ما از ”کارپو“ این سؤال را



“در طول مدت کوتاهی فقط چند ماه زمان ما فرا سیاسی - نظامی خود را پیدا کرد - با این وجود این اصل دیالکتیکی نیز روز بروز شکل میگرفت که فقط توده ها قدرت به انجام رساندن انقلاب را دارند و ما اگر مبارزه چریکی را شروع کرده بودیم این فقط یک مرحله گذرا از یک مبارزه همه جانبه بود تا همه توده ها را جهت شرکت در همه سطوح مبارزه به حرکت درآورد
.....

“این اصل کاملاً موفق ما را از این نظریه کهنه چریکه به شناسایی قادر به انجام رساندن انقلاب است و میتواند جدا از توده ها وظیفه خلق را جهت تغییر دادن جامعه به اتمام برساند جدا میکردند
تجربیات ما و سایر تجربیات طبقه

“تکمیل صداقت این نکته را اصراف میکنیم که ما در اول کار، تئوری کانون چریکی را رد کردیم.....
“در این رابطه ما شنیدیم تحت تأثیر تجربیات جنبش های چریکی در آمریکا، جنوبی و سایر کشورها بودیم و این برداشت را داشتیم که این سازمانهای چریکی در آمریکا، جنوبی و سایر کشورها بودیم و این برداشت را داشتیم که این سازمانهای چریکی در نهایت از خلق جدا شده و نتوانسته اند توده ها را بسیج کنند و نسبتاً به شیوه نظامی متوسل شده اند.....
از تشکیل گروهی اما به یک محبوبیت نسبی در میان طبقه کارگر و جنبش دانشجویان دست پیدا کردیم.....
و نفوذ شدیدی در بین معلمان پیدا کردیم.....
“در سال ۱۹۷۴ ما توانستیم که با زارمین و دهقانان غیر شماس نزدیک برقرار کنیم - تعداد زیادی از آنها به سازمان ما پیوستند و این جریان به رابطه ما

تداردند تا مردم را به آزادی نهایی برساند. ما متفاد داشتیم که مبارزه محدود به حرکات سیاسی و شیوه های قاتولی و طرح جوانان مردم ما را به جایی نمی رساند..... بنابراین وظیفه ما بود تا مردم را متقاعد کنیم تا به شیوه های دیگری از مبارزه روی بیاورند. نتایج به جای اینکه اقدام به تشکیل حزب سیاسی بکنیم ما یک کانون چریکی را تشکیل دادیم.
“بعد از شناسایی توانایی مبارزه در کنار طبقه کارگر ما ایمان داشتیم که تنها توده ها قادر به انقلاب هستند ما نه تنها در تئوری بلکه در عمل نیز از قدرت و وسع توده ها شناخت کافی داشتیم. پس فقط کافی بود تا توده ها به این شیوه مبارزه سیاسی روی بیاورند تا بتوانیم جامعه اشتعاری را سرنگون کنیم و جامعه ای را بجای آن برقرار کنیم که عساکران اشتعاری و اشتعاری شده باشد..... اولین ترتیب نقطه شروع یک هفته چریکی بود.....

“در صورت لازم به تذکر است که از اول هدف ما یک مبارزه همه جانبه بود. هیچگاه در نظر نداشتیم که فقط با اتکا به نیروی چریکی مبارزه را به پیش ببریم و انقلاب را به انجام برسانیم. بلکه هفته اول چریکی فقط به عنوان یک ندادی اولیه برای دعوت مردم به شرکت در شیوه جدید مبارزه بود. همزمان با این جریان ما سعی کردیم از طریق تماس نزدیک با مردم آنها را به شرکت در مبارزه مسلحانه و شور دیگر مبارزات طبقاتی که در آن درگیر بودیم تشویق کنیم.....
“پسین علت اولین کانون چریکی ما این هدف تشکیل شد که همزمان با حرکت چریکی با مردم تماس برقرار کنند و در میان آنها کار بکنند.....

“بدین ترتیب فقط در عرض چند ماه اهداف سیاسی - نظامی ما زمان رنگ حقیقت بخود گرفتند.....
اگر توده ها شناختی از سیاسی دیالکتیکی پرورده مبارزه پیدا نمی کردند، مکان داشتیم این فکر در آنها ایجاد شود که ما فقط اهداف نظامی داریم.



ما زمان گسترده ای هستیم که کارهای آن در پوشش مبارزه آیدیم نموده اند. یک حزب مارکسیست لنینیستی که چریک، مائیتها، و نیروهای نظامی را هدایت میکند..... توده ها در حال پیوستن به آن هستند..... و توده ها تحت هدایت یک پیشاهنگ دارند. هرچیزی انقلاب را بدست خود بگیرند.

اگر چه ما در آغاز فقط باید هسته چریکی شروع کردیم ولی اکنون این به نظر ما کاملاً مارکسیستی می آید. بر اینکه شیوه های بکار برده شده همگامی لاکتیکی هستند و در شرایط مخصوص کشور ما این تنها شیوه موثر میتواند باشد. ما تنها سازمانی هستیم که در این زمینه رسیده به شدت بلکه سازمان های دیگری نیز در شرایط کم و بیش مشابه شرایط ما از همین طریق تشکیل یافته اند.



پیروزباد انقلاب

السالوادور

سین چریک و توده ها و تشکیلات متقابل آنها برهم شکل داده این جریان ما را قادر ساخت تا بتوانیم از برنا - به های براسر اشتباه ما در سازمان ها که شاهد آن بودیم دور بمانیم

ضرورت حزب

کا رهبر چنین ادعا می کند:

" نتیجتاً رشد محبوبیت و نفوذ ما در بین توده ها نکته آشکاری شد برای رشد هسته چریکی و به کمک قدر تا نظامی بالنده مردم یک پایه وسیع قهر انقلابی شروع کرد به شکل گرفتن که آینده آن همان شانس سازمان های تدافعی توده ای و مائیتها ی خلقی بود..... و تمام این موارد آشکارا شرایط را برای تشکیل سازمان سیاسی پیشرو یعنی حزب صیبا ساخت..... بدون تشکیل حزب امکان هدایت چنین جنبش وسیعی امکان پذیر نبوده. ما احتیاج داریم به بدنه یک حزب با مارکسیستی طبقه کارگر را تشکیل بدیم. زیرا رهبری چنین جنبش وسیعی بدون تشکیل حزب امکان پذیر نبوده و نخواهد بود.

" ما بر این، چنین به نظر میرسد که ما یک راه قهر متداول را پیش گرفتیم و به نقطه ای رسیدیم که برای ما مبنای شروع کار بود..... ولی در حقیقت ما چنان شرایطی را ابداع کردیم که در صورتی به ایجاد حزب مارکسیستی طبقه کارگر منتهی شده: حزب متشکل از توده ها، نیروهای چریکی، نیروهای نظامی، مائیتها، و خلق صلح، خلقی درگیر مبارزه برای رسیدن به خواسته های ضروری خود.

ما از جایی که می بایست، شروع کردیم

رهبر سازمان ما را با شکوایش ادعا می کند:

" تمام جریان برای ما بصورت اجرای ماده اصول لاکتیکی سرآمده بود. ما هرگز ما را تشویق به عقب سر گرفتیم ولی در حقیقت از نقطه ای شروع کرده بودیم که حمایت ما کردیم. در حال حاضر ما مشغول به سخن

ادامه از صفحه ۱۹

کملک ها می دریافت دارد (این سابقا جنگی به وضعیت مبارزان خلق کرد و نیروهای نیروی آن از یکطرف و از طرف دیگر به چگونگی پایان جنگ ایران و عراق که توسط امپریالیستها برپا شده است دارد) همانطور که رژیم مزدور ترکیه نیز در سرکوس خلق کرده رهبر - گونه کمکی به رژیم ایران در پیخ نمی کند. (فرانسوا رابطه رجوع شود به مقاله توسطه گنجای زینجی - امپریالیسم بر علیه در همین شماره سیاهکل) واقعیت این است که خلق کرد هم تر از بیست همزمان به مبارزات مسلحانه خود ادامه میدهد اما تجاروب جنگ های ره شمشیر سر جهان نشان میدهد چنانچه به جنبش انقلابی در ای رهبری امپریولیتری باشد اگر چه توجه به خواهان مبارزه دلیرانه تا پیروزی قطعی باشد آن جنبش به پیروزی نخواهد رسید و در نهایت رهبری امپریولیتری با بکارت از دست رفتن دستگیر - های مبارزه خارج خواهد شد و در نتیجه جنبش را به شکست خواهد کشاند. متأسفانه طبقه نیروهای غیر - پروولتری در رهبری جنبش خلق کرده تا کنون با همه مبارزات دلیرانه و از خود گذشتگی ها که در زندگانی کردستان از خود نشان داده اند هنوز نتوانسته است از معدوم این منطقه خارج گشته و شمشیرات عملی خود را بر سایر مناطق بگذارد و با کمال های مادی و معنوی باعث گسترش مبارزات ضد امپریالیستی خلقی ایران گردد. رژیم مزدور جمهوری اسلامی نیز از این عطف جنبش خلق کرد سود جست و سعی در مبارزات نیروی جنگ انقلابی در منطقه و در نتیجه جلوگیری از گسترش مبارزات بهم پیوسته خلقی و شمشیرات آن ها به یکدیگر دارد.

از یکطرف جنبش خلق کرد میبایست به مقابله با محدود کردن مبارزه در کردستان و با گسترش آن با سایر مناطق و نیز با اتحاد ناکتیک و اشتراک تری صحیح پیوندی بین این مبارزات با مبارزات سایر مناطق ایران بوجود آورد و از طرف دیگر برای پیشبرد جنگ انقلابی و همچنین کمک به جنبش ضد امپریالیستی

و حق طلبانه. زندگانی کردستان میباید با گسترش مبارزه مسلحانه و برپا نمودن عرصه های نوین از جنگ خلق بر زمین را مورد آموزش قرار دهد.

ادامه از صفحه ۳۴

انقلاب و انقلابیون برداشته و در این اثنا حمایت نیروهای مشرقی جهانی از مبارزات خلقی ایران که در قسمتی دیگر از محل تظاهرات برپا شده مبارزاتی داشتند و یکی خواندن شاه و خمینی و چهره کریم سلطنت طلبان را بیشتر افشا کرده سلطنت طلبان که اوضاع را برای خوش رقصی مناسب نمیفانند با خواندن قطعه ای که هر بند آن ملتصانه یا جمله آقای رئیس جمهوری آمریکا شروع می شد به ضد خود را جمع کرده و با کمک پلیس از محل تظاهرات گریختند. پس از پایان تظاهرات صف متشکل دانشجویان برای اعلام همبستگی با مبارزات خلقی میان و مشخصا خلقی آمریکا مرکزی به محل آکسیون مشترک نیروهای مشرقی جهانی رفته و پیام همبستگی خود را به آنان دادند. این آکسیون مشترک و موقوفه گشوده آن که همچون مثبت محکمی بود بر دهان این مزدوران نشان داد که پیونده جنبش مشرقی دانشجویی با مبارزات خلقی های دپشمان ناگسستی است و سایرین خارج از کشور میبایست در مقابل امپریالیسم و مزدوران رنگارنگش متحد و یکپارچه بیاخیزند و بر علیه آنان مبارزه ای قاطع دست زنند.

یکی از دست آوردهای این تظاهرات اتحاد عمیق در مبارزات ضد امپریالیستی و هدایتی بین نیروهای مبارز دانشجویی خارج بود. جنبش دانشجویی با بدین سازمان دهی مبارزات عمیق و گسترده علیه رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستی و دیگر مرتجعین و جریانهای راستکار و بی عمل را منفرود ساخته و توجه های دانشجویی را بگردشی انقلابی متحد گسرده شده

تصمیمات مبارزه - پیروزی

۱۰ ماه از منظر ۲۲

بسیار و بی‌حاشی و بی‌پندارانه و بی‌توان بی‌سعه
 عنوان اولین هم‌در راه استقلال خلق آمریکای مرکزی
 حساب آورد و به همین خاطر است که دفاع از انقلاب
 شبکه را گوشت جز مقابل یورش‌های امپریالیسم از اهمیت
 تازمانی برخوردار می‌شود. این مسئله ای است که از
 جانب کلیه نیروهای انقلابی و مترقی آمریکای لاتین
 تأیید گشته است زیرا، همان‌گونه که فرمانده کنگسل
 جبهه آزادیبخش خلق اشاره کرده است، آمریکای مرکزی
 منطقه ای از آینده انقلابات آمریکا لاتین می‌باشد.
 این سری از مقالات منعکس کننده خطوط اصلی
 تئوریک نیروهای آزادیبخش خلق - قان- یونگومارتینی
 P.P.L. و سازمان توده ای جبهه انقلابی خلق P.P.R. می‌باشد -
 شده تا زمانه‌ای که دفاع از آن از مباحث پرولتاریا
 و تکامل خطوط مبارزه سیاسی - نظامی آنان سرزده
 با گذرش مبارزه مسلحانه توده ای طولانی امپریالیسم
 و آلیگاری مطلق را به عکس کشیده است و مانورهای
 منطقه ای آنها را خنثی کرده اند و امروزه مبارزات
 جبهه شان در تمامی ابعاد سیاسی - نظامی و انقلابی
 توده های مرید منعکس است و می‌رود که فرقی
 برنام‌های انقلابی و دمکراتیک اقشار مختلف جبهه
 انقلابی و دمکراتیک خلق را ما نیت بخشد.
 خلق، اما برای دوره جهت گذرش مبارزه مسلحانه و کنگسل
 استقلال به حمایت و همبستگی تمامی مبارزان عاقل
 و توده های فریبند قاره های مختلف احتیاج دارد.
 زمینه یاد همبستگی بین المللی

۱۰ ماه دارد

۱۰ ماه از منظر ۷

ضعف اساسی است و آسپم هژمونی رهبری امپریالیستی
 مبارزات آن است. این رهبری بدلیل ما هیئتش عملانتوا -
 نسته و نمیتواند مبارزات خلق کرد را رشد و گسترش
 دهد بلکه عملاً آنرا به یک مبارزه ضدافعی کلاهده است.
 بهر موند این ضعف جنبش نیروهای سیاسی متفاوت گستر
 چه هنوز نتوان طرح صریح آنرا ندرنده‌پولسی

با قبول معنی آن نظریات را بر ای تغییر آن طرح
 کرده اند. از جمله این نظریات بهینها که تشکیل جبهه
 واحد با رهبری واحد از طرف جریان خط واحد می‌باشد.
 طرح این مشا
 یعنی تشکیل جبهه واحد از نیروهای حرکت
 کننده در جنبش خلق کرد با رهبری واحد به نظر ما
 نشان دهنده یک غیرواقعی طرفدان آن نسبت به اوضاع
 زمانه و مسائل جنبش کردستان است. تشکیل یک جبهه
 واحد برای پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی منوط به
 قبول مبارزه برای سرنگونی حاکمیت امپریالیسم در
 ایران و سپس قبول خط مشی مبارزاتی ضروری هر طبقه
 امپریالیسم می‌باشد و رهبری واحد نه از کاتالیست -
 های رهبر بلکه از دل مبارزه انقلابی تعیین میشود
 و این رهبری را مستراح به نیروهای سیاسی لیگس
 تحصیل می‌کند و نه صرفاً خواست ما. شاید آن ابتدا هنگام
 انقلابی که بتواند تئوری انقلابی را ما نیت بخشد یعنی
 دربرآیند عملی شده را بسج کند و مبارزه عملی و
 ضروری این دوره ارتزخ جنبش ما را جاری گردانده‌اند
 خواهد بود که رهبری واحد را بخورد آورد و جنبه نیروی
 قدرتی انجام این کار خواهد بود که امروز خود پیغمبر اول
 این راه باشد. هرگونه کار دیگری با خود فریبش و خوش
 خیالی است و با گمراه کردن دهان توده‌ها نسبت به
 چگونگی پیشبرد مبارزه انقلابی.
 همانطور که مطرح کردیم پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی
 امروز بیان خود را در گسترش جنگ انقلابی و حرکت برای
 تشکیل ارتش خلق می‌شاید ندانند برای این اگر خط واحد
 بتواند فقط دو نیرو را در کردستان به نشان بدهد که
 واقعا و عملاً حدقل در این راه گام بر میدارند آنوقت
 حدقل می‌توانیم بگوئیم که این طرح یک نیهای سیاسی
 دارد. و هر غیر این صورت باید گفت که جبهه واحد
 با رهبری واحد در واقع چیزی جز جبهه ضد لیگتاتوری
 یا ضد مرکوب رژیم مشکل از همه نیروها نخواهد بود
 و معلوم است که سرانجام چنین جبهه‌هایی به کجا خواهد
 انجامید.

ادامه زلفه ۱۷

در دوران رژیم پهلوی شاه خائنین و خمینی جلالت حاکمان این واقعت است که پندتالی آن ... امیرالهیته وعل بوده و رژیمهای وابسته از این وسیله برای حفظ منافع آنان استفاده نموده اند.

با وجود تمام این واقعت مسلم ، کما کسان نیروهای سازتکار که در موضع "بویزیسیون" با رژیم خمینی قرار دارند در برنامهای ضد انقلابی خویشت به تطهیر مابیت فاشیستی ارتش موجود پرداخته و به تبلیغ امکان "رفرم" در ارتش امیرالهیته یعنی برکناری عناصری از این سیستم پرداخته اند. ولی تنها ربا انقلابات رها شیکت در کشورهای تحت سلطه و قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷ نشان داد که تنها ما فرم شکنی کل سیستم این مابین مرکوب امیرالهیته و تشکر ارتش خلق، حصول آزادی از قید امیرالهیتم و برکناری دیکتاری و شاهوم و حفظ آن امکانپذیر است. و هر گونه راه حل رفرمیستی دیگر، رژیمی ما همان محتوای رژیمهای پهلوی و جمهوری اخلص در پی خواهد داشت. ما بار دیگر خاطره شهدای ۱۷ شهریور و تمام شهدای راه انقلاب رها شیکت خلق را گرامی میداریم.



ادامه زلفه ۱۳

مختلف می برد زده بنا بر این از آنجا که پس از گذشت پنج سال حکومت ننگین جمهوری اسلامی و عملکردهای مختلف آن ، توده های بی مابیت خدخلق آنها برده اند. بی مابیت که آقا بران منتظری ها به فکسر چاره افتاده و دستورهای "نویسی" را به روحانیون ابلاغ نمایند.



ادامه زلفه ۱۸

بلید خود را تحت پوشش "فدای" از توده ها و دیگرگون جلوه دادن مابیت خود بنمایش بگذارند بهمن خاطر مزدوران امیرالهیتم انقلابیون جان برگشت را اغرار و راهزی و ... می نامند و در عوض نوکران اجیر - مابیم را کما پندگان برده میخوانند. آری امروزر رژیم جنایتکار جمهوری اعلامی از مبالگی های خود باری میطلبند تا شاید بتوانند با مابیم بیشتر خلق گردد و مرکوب همه خائنه جنیش خلق گردد به ناسودی بگشاید. زهی خیال باطل! بخلق گردد محمم است تا آخرین نفس در مقابل امیرالهیتم و تمام مگان زنجیریش است از مبارزه شکستده و تا ابد بودی کما مل امیرالهیتم و نوکرانش و رسیدن به اهداف انقلابی خود و برکناری جمهوری دیکتاریه خلق به رهبری طبقه کارگر به جنگ مابیم خود ادامه دهد.



ادامه زلفه ۹

چه ربطی دارد که در مجلس چه می گذرد ... بسیاری سیاه جابیز نیست ، این برای ارتش جابیز نیست ، این جباهی را از آن نمیدی که دارد ، از آن مطلقن کسه بچیده است ، باز میدارد و همینطور ارتش را "کسیان - همانجا" آری خمینی بخوبی میداند که تنها با تکیه به ارتش مزدور و زلفه امیرالهیتمی اثر سیاه با ابدان است که حکومت ایسی اثر می تواند فد. پس سرزمین ایران با برجا باشد پس او "مرب به مصروف" خود را پیرامون استحکام ارتش و سیاه با ابدان فرس مان میدهد تا بعد مدتی دیگر به حکومت ننگین جمهوری اعلامی توام بخشند.



زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

علامه ای از رفقای هوا دار چغدا (رضا) در آلمان در باره با واقع (سیته سیرانی)

توطئه جدید امپریالیسم و مزدورانش

از کشور میباید اقدام کرده اند.

در پنجاه گذشته به هزار ایرانی که کوچکترین
مکس جهت خروج از کشور را داشته اند از مرزها

گذشته و آواره میگرد کشورها شده اند.

مسئله فوق را باید در سرکوبی و کشتار و اخلال در
معادله طرف و از طرف دیگر برآکنده نیروهای انقلابی
فرون و پاسخ دادن به وظایف مله که پیش پای کارمان
های انقلابی قرار دارد ارزیابی کرد و حتی دانشجویی
خارج از کشور نیز جدا از این مسئله نمونه و دربرآکنده
و سربرگمی که تسلوی از وضعیت فزون ایران میباشند
تواشتمه است به وظایف مبارزاتی خود پاسخی که حاصل
دهند.

البته کوشش دیگری ازمانده نماند که با تمام جوان خود
در جهت دستگیری به نیاز فعلی خنثی که در داخل و چه
در خارج حرکت کرده و بیگانه که نتایج را نیز میسر
ناشته که نباید تا سینه گرفت.

فردین سرانبطی است که شاهد برادران و گروهها و مزدوران
امپریالیسم (اند انقلاب شوروی) بطور مده در خارج از
کشور در سطح دانشگاه که همواره سنگری برای مبارزه
علیه امپریالیسم و مزدوران است که ستیم.

بعد از افتدای به های مزدوران حزب الهی، توده ای و
اکثریتی در افکار عمومی جوانی و با کاردی صراطی است
دانشجویی از وجود این عناصر که انقلاب برپا شده است
که دیگر به تیره های مایق و توسط سری با میباشند
مزدوران نشینتوانند در ایوانی عترتی خارج از کشور
رموع نمونه و آن را چه کرده کشاند از این رو است
به حمله میگردی زده و از مزدوران بخشی را و سلطنت طلبی
برای تحقق اهداف ضد خلقی خود استفاده می کنند.

شما و ز به حرم دانشجویان شرقی در سینه پارچین را نیز
میتوان گوید ای از این تلافی مذهبانه ضد انقلاب دیگر
موجود در این بین یک سری در زمانها و محافل دانشجویان
بر تروک محولتشان در تجزیه و تحلیل از عملکرد امپریالیسم
و توسط های جدید آن سوا نمی تلافی کرده اند که

میانی از پنج سال از گذشتار و قتل عام توده های تهرانی
میتوان توسط رژیم وابسته به امپریالیسم صهیونی
اعلامی میگردد.

در این پنج سال گذشته امپریالیسم به ویژه امپریالیسم
لیسم آمریکا با تمام توان خود سعی در نابودی خنثی
رهائیکش خلقهای میتمان داشته است.

حمله نظامی به کرهستان فترت و سرکوب خلقهای ترکمن
مردمان بلوچ و تمام جناب دانشجویان رژیم مزدور سترتیم
دلیل این میباشند.

اما بیرون مبارزاتی پنج سال گذشته توده ها و پیشا
خلقان مسلح در تمام مرزهای اجتماعات سیاسی از
نقشه های نوم این فارتگران را مقیم گلا رده و از بیرون
که تا هر روز با حمله جدیدی جهت به جراه برین میا
روزت توده ها و نابودی آن از طرف امپریالیسم
و رژیم وابسته به آن رویو هستیم.

در این بین جنبش دانشجویی خارج از کشور نیز از این
حمله ها فرامان نمونه و بیوتنه توسط های جدیدی بر
طبقه حرکت مبارزاتی دانشجویان از طرف امپریالیسم و
مزدوران شریفه میگردد.

جنبش دانشجویی خارج از کشور بعنوان یکت جنبه خنثی
فد امپریالیستی میتمان که در تمام مقاطع تاریخی
میوتنه با تمام توان خود در افتدای چهره کریه
امپریالیسم و مزدوران رنگارنگی و در روش ناخشن
انگوان خلقی ای حیوان از واقعیات فزون جامعه تحت سلطه
ما کوشیده و با این جهت هیچگاه از سرکوب و توسط
رژیمهای مست نشاندن در امان نبوده است.

زمانی رژیم طراد و وابسته متحد رفقا تا هر تا گنیل مزدور
ران ما و آنکی جهت نمودن در فزون تشکیلاتی سیاسی
دانشجویان شرقی و زمانی دیگر رژیم وابسته

امپریالیسم صهیونی اعلامی با فرستادن مزدوران چینی
به دست حزب الهی جهت ایجاد رعب و وحشت از مؤسسی و
قد کرمی انگاس معادی خلقهای مبارزان ایران که همانها
زبان گوید مبارزاتی دانشجویان شرقی در سطح خارج

در نهایت جز محدود کردن مطلق و ششلیق و پراکندگی
 در مملکت، زمانهای دانشجویی شمیرک دیگر نخواهد
 داشت. این رفقا دمکراسی و آزادی بعد از انقلاب را با
 را که در سایه حکومت نرگس انقلابی و دولتی گشته
 میشوند این پروتاریا و تمام زمینداران جامعه
 است و آزادی بیان، عقیده و دمکراسی به نظم و
 واقعیت خود در تمام سطوح جامعه حکمفرماست. با چگونگی
 برخورد به انقلاب استواری استثناء گرفته اند. تهریست
 این سازمانها و مخالفان از دمکراسی که ضلوع آن هماسا
 در برخورد و موضع گیری های این رفقا خود را نشان
 میدهد جز تهریست این مفهوم دمکراسی پروتاریا نیست.
 اینان هرگز مطرح نگردند اند که آزادی و دمکراسی
 هر چه هستی و برای رشد م نیروی بالنده اجتماع است.

بسیار با دگر شیوه های سیاسی در برخورد به انقلاب و ضد
 انقلاب به مسئله اساسی حل شده بین این دو گروه
 جامع روشن و صریح نمیشد. در نهایت جز آب به آینه است
 آسیریه ایست یعنی کار دیگری از جیبی برانده اند.
 ما بصورت روشن و واضح اعلام میداریم که تنها راه حیل
 نهادن بین خلق و ضد خلق، همان تهریست است که ایستنی
 غیر است به وجهیت و شرایط محیط ویژه جبهه دانشجویی
 خارج و درون جامعه تحت سلطه ما است باید میکند.
 گویی این رفقا فراموش کرده اند که زمانها همین سلطنت
 ظلمت و استبدادها چگونه اصل آزادی بیان را زیر
 چنگل های برتری خود نه خاله و خون کشانند و این خاندان
 امروزه با علم کریه اصل آزادی بیان خواهان از بین
 بردن این اصل هستند. ضد انقلاب متواری با لانه گریزی هر
 سخام دانشجویی و شاگردان تهریست و افراد مترقی میخور
 دهد یا شده ی سبزه خود را خاکم بر این سخام نموده و
 به حزب و قلم سرورها و افراد مترقی بفرستند.

رفقا و هم میهنان مبارزان
 سواد میاوریم زمانها را که آمدند انقلابیون مشهور و کمر
 ایران چه تمام عوس برآید انداخته بودند؟ سواد میاوریم
 ۱۶ آذر را که سالگرد ۱۷ شهریور حکومت نظامی است
 تکتک های جاواند کم سرکوب مبارزان، به گلوله بسته شدن
 تظاهرات و بیاد میاوریم پنجاه سال جنایات ایستنی
 زهوران را.

به احساس مسئولیت به خونهای ریخته شده رفقا، مبارزان
 پسران، خواهران و جوانان خود و بر تقابل ایستنی
 مزدوران امپریالیسم و تهریست که برهم شنبه را همواره
 برافراشته نگاه داریم.
 ما بعنوان نخبه از جنبش ضد امپریالیستی - دمکر - تهریست
 دانشجویان خارج از کشور ما تمام توان خود توفیق های
 امپریالیسم و تهریست تهریست هرگز شکل و فرم آنها کرد و
 و جاری نخواهیم داد که ایستنی از مزدوران امپریالیسم
 به مترقیست دانشجویی خاص به خود بیوفی تا تهریست
 مترقی را آلوده سازند.

پرتوان باد همبستگی تمام نیروهای مترقی
 دانشجویی هر جنبشی امپریالیسم
 استا بود به با همفروتنی نه «پورتو»
 فرقیست جنبش دانشجویان خارج از کشور
 هرگز بر امپریالیسم و تهریست زنجیر است
 برقرار باد جمهوری دمکر استا خلق به رهبری شعله رقی

۲۱ / ۶ / ۸۱

شماره ۱۲

ما زبان دانشجویان ایرانی خواهد بود چوبهای مدالی خلق
 ایران (ارتشها شمشیر خلقی ایران) - سرآمدان
 و سران غریب

امید بستگان

به چه امید بسته بید؟
 به این که گران، به سخنان شما گوش بسپارند؟
 آزمندان
 به شما چیزی پیشنهاد؟
 گرگها به جای دویدنتان، به شما غذایی بدهند؟
 و بیرهای دونده
 به مهربانی از شما دعوت کنند
 که دندان هایشان را بکشید؟
 به این امید بسته بید؟

(پرشت)

بحثی پیرامون حاکمیت امپریالیسم در ایران (۲)

در مقاله "بحثی پیرامون حاکمیت امپریالیسم در ایران" مندرج در شماره یک شان دهم که دولت در یک مرحله یعنی از تکامل اقتصادی و تقسیم جامعه به طبقات بوجود آمده ضرورت تشکیل دولت بر اساس تقسیم جامعه به طبقات مشخص و آشنی ناشی از آن بوده است و دولت در جوامع طبقاتی ابزار مرکب طبقه حاکمه می باشد.

در ادامه همین بحث توضیح دادیم که در جامعه ما نیز دولتی حاکم در طول تاریخ از این قاعده مستثنی نبوده بلکه ماهیت و عملکرد آنها در حقیقت تأیید احکام علمی در باره دولت می باشد و همچنین گفتیم که بدین منظور امپریالیسم در جامعه ما و سیاسی اسلام کونکای رفاخان در واقع دولتی برآمده است حکمفرما شد که انعکاس قدرت اقتصادی سرمایه جانی بود. این دولت در واقع دولتی وابسته به امپریالیسم بوده که در رابطه با نیازها و سیاستهای امپریالیسم جهانی حرکت میکرده است. در عین حال خاطر نشان کردیم که دولتهای وابسته تا زمانی که بتوانند منافع امپریالیسم را به بهترین وجهی برسانند، مورد تائید و قرار دارند و زمانی که از عهده این کار برنمی آیند با رژیم دیگری تعویض می شوند.

و علاوه گفتیم که در وضع انقلابی سالهای ۵۵ - ۵۷ امپریالیسم بنا برکل وضعیت که در آن قرار داشت، با تغییر تاکتیک و سازماندهی خود رژیم جمهوری اسلامی را با رژیم شاه عوض کرده. این تاکتیک در واقع تنها جسی گسترده تر به زحمتکشان ما بود و خود همین نویسن بودند تاکتیک باعث سرنگی بخش وسیعی از نیروهای سیاسی جنبش گردید و این نیروها نتوانستند شناخت

درستی از ماهیت رژیم جدید که اختلاف با رژیم شاه تنها در شکل و شمایل جمید و همچنین شکل ایدئولوژیک آن (اسلام) بود تاثل آیند و رژیم جمهوری اسلامی نیز در این پروژه با تمام نیرو و توان خود سیاستها و برنامه های امپریالیسم را جامه عمل پوشاند.

اما اکنون باید دید که وضعیت رژیم جمهوری اسلامی در شرایط فعلی چگونه است؟

بی شک وضعیت کنونی حاکم بر ایران است که خود را در بحران شدید اقتصادی - سیاسی، تورم گرانی، نبود ارزاق اولیه، بیکاری، حکومت نظامی بنهائین و مریدان در سراسر کشور، کشت و کشتار، ترور و شکنجه، جنگ ایران و عراق و همه شایم ویرانگر آن، سرکوب ددمتقانه رژیم در کردستان، قهرمان و علامه تصاور هرگونه ظم و ستم بصورت جزئی از زندگی مردم ایران در آمده است. برکنی پوشیده نیست، این وضع بر رژیم و در وضعیتی متزلزل قرار یافته است. اگر چه بلند - گویای تسلط رژیم همواره داد از شیات رژیم میزنند. اگر چه بخشی از امپریالیستها در جاتیه های فلسفی خود دم از شیات و پیشرفت رژیم در امور معولسه میزنند، اما هم رژیم و هم رفاخان امپریالیستش خوبی میدانند که رژیم بسیار بی ثبات است، اما صرفاً توضیح وضع نیروی جامعه و طرح اینکه بحران موجود بهر حال رژیم را از پای نخواهد آورد و رژیم بی ثبات است کافی نیست. چرا که یکی از تاکتیکهای امپریالیسم اینست که در شرایطی که بحرانهای عمیق سراسر جامعه تحت سلطه را در بر گرفته از هیچ کمکی به رژیم وابسته فروگذار نمی کند تا آن رژیم نتواند منافع بر از مدت آنها را پاسداری کند. وضعیت کمک - های بی جلو حساب امپریالیستها همین امروز به رژیم - های مزبور آمریکا لاتین و اروپایانه و اما خود جمهوری اسلامی بهترین گواه این امر است.

بنا بر این برای تدقیق بحث در باره حاکمیت امپریالیسم

های دیگر نیز می‌پردازد. بهترین نمونه آن فرمود
ایران از طریق بنی صدر اجرا شد که به جدا کردن خود
از رژیم و تشکیل شورای اسلامی مقاومت است
مجلس همین بنی کرد تا اکثریت تئوی میگری را
برای موقعیت مقتضی آینده بوجود آورد. دارنده های
بختیار، امین، مدنی، خزیه و ... همه مزبورند. اند
که در آشپزخانه امپریالسم دارند که برای پاسخ -
گویی به منافع امپریالسم حفظ و نگهداری و تبلیغ
می شوند.

مسئله مهمی که می‌باید ترک گرفت این است که امپریا -
لیسم از تکتیکهای مختلف و همه وسایل ممکنه برای
حفظ حاکمیتش در ایران استفاده خواهد کرد. اگرچه
امروز چنین به نظر می‌رسد که امپریالسم بنی دارنده
کمله های نظامی و اقتصادی خود رژیم را بر سر کار نگهد -
ارد. اما در آینده چنانچه بر اثر مبارزه انقلابی
در ایران این رژیم قدرت پاسخ گویی و اجرای سیاست
محوه را نداشته باشد، امپریالسم اکثریت تئوی دیگر
را به آزمایش خواهد گذاشت. اینکه این مسئله با
بوسیله کودتا از درون خود رژیم و یا بوسیله
آزاد یا بوسیله قیام یکشنبه و یکروزه و هم انقلابی
شدن ارتش و یا هر نمایش دیگری صورت گیرد
بستگی به اوضاع مشخص روز دارد و چه بعد از آنزمان
یعنی زمانیکه رژیم جمهوری اسلامی کارائی لازم را برای
امپریالسم نداشته باشد، عه ای از همین سردوران
امروزی مداکمه شوند. همانطوریکه هوبن و برخی دیگر
از مزدوران دوران رژیم شاه توسط نوکران جدید مداکمه
شدند.

و ظاهر در شرایط اوضاع انقلابی که جنبش مردمی
رهبری پرولتری است. آخرین بزرگ سهم در دست امپریا -
لیستها برای جلوگیری از پاشی ایران جنگ رو تر روی
ارتشهای مزدور امپریالسمها و خلقهای ایران همان
جنگ ویتنام می باشد.

آنچه که به نظر ما اساسی و تعیین کننده است

بقیه در صفحه ۳۳

در ایران که امروزه بوسیله رژیم جمهوری اسلامی حفظ
و نگهداری می شود باید به دو فاکتور اساسی توجه
کنند. اول اینکه سیاست امپریالسم بطور کلی در
جهان و بطور مشخص در منطقه و بویژه در خلیج چگونه
است و دوم آنکه جنبش توده ای و نیروهای انقلابی
در چه وضعیتی قرار دارند.

امپریالسم جهانی بنا بر وضعیت کلی خود (بخش نیهای
اقتصادی - سیاسی وسیع کل سیستم و وضعیت جنبش انقلابی
در سطح جهان و تحولاتی تروتسکی) را وظیفه هشتاد
سیاست جدید خود را بر سیاست رژیم ایران بنا گذاشته
است. یک وجه این سیاست را سرکوب نظامی جنبش
انقلابی زحمتکشان جهان و بویژه سازمانها و جبهه های
انقلابی تشکیل میدهد. گوش امپریالسمتها بر آنست
تا منطقه خاورمیانه و مشخصاً ایران را به "جزیره شیات"
تبدیل کنند. ایران بدلیل منابع عظیم نفت و گاز و
دیگر مواد اولیه و همچنین تنگه هرمز که در هندسوار
بالائی از نفت مورد نیاز امپریالسمتها از این تنگه
می گذرد و نیز موقعیت سوق الجبعی ایران و همسری
طولانی شوروی و برای امپریالسمتها دارای اهمیت
بسیار مهم می باشد. بنا بر این تبدیل ایران به "جزیره
شیات" و با در واقع متحقق کردن شرایطی که منافذ
امپریالسمتها با برجا بماند، به اتخاذ تدابیر مختلف است
امپریالسم متنبی میگردند.

سیاست داخلی و خارجی رژیم جمهوری اسلامی نیز در چهار
جوب این سیاست کلی امپریالسم مشخص گردیده است
که رژیم نه تنها تا بحال به بهترین وجهی بدان عمل
کرده است بلکه وظیفه اجرای این بخش از استراتژی
امپریالسم را در ایران بعهده دارد.

اینکه رژیم جمهوری اسلامی قادر خواهد بود به انجام
وظیفه خود ادامه دهد یا نه بستگی به شرایط آینده دارد.
امپریالسم علاوه بر آنکه از هیچ گونه کمکی به رژیم
جمهوری اسلامی برای اجرای سیاستهایش کوتاه نمی‌کنند
در همین حال به فکر تهیه و بسته بندی کردن اکثریت تئوی

داده زلفه ۱۵

در جمله نیروهای نظامی موجود در هندوستان:

- ۱- نیروهای نظامی آمریکا - ۲۰۰ نفر تا آوریل ۸۴
- ۲- نیروهای نظامی دولت هندالو دور برای آموزش - های نظامی (C.R.E.M.)
- ۳- نیروهای مزدور و سرمایه‌دار "ماتسورا" نیکاراگوئه (C.O.N.) که توسط سی (C.I.A.) رهبری می‌شوند و دارای پیشران ۱۰ کشتی در کتاره های مری نیکاراگوئه قرار دارند.
- ۴- و بالاخره "رینتر هندوستان"

نیکاراگوئه

نیکاراگوئه تا کنون بارها از طریق هندوستان و کاستریکو توسط نیروهای نظامی آمریکا و مزدوران منطقه مورد حمله قرار گرفته است. دیگر ضرور مستقیم نیروهای نظامی آمریکا و عوامل سازمان سیا (C.I.A.) در این حملات بر کسی پوشیده نیست. نیروهای مزدور رژیم سابق نیکاراگوئه که تحت آموزشهای نظامی و رهبری آمریکا هستند بارها حملات در رابطه با سرنگونی دولت نیکاراگوئه انجام داده‌اند و طی همواره توسط نیروهای مانده نیتسها

به عقب نشینی و داشته شده. دورتهای شما برفای پس کس در آمریکا مرکزی بوسله آمریکا لیسیم آمریکا پیاده میشود تمام نیروهای انقلابی منطقه آمریکا مرکزی را به اتحاد و همبستگی بیشتر داشته است.

السالو دور

کارخانهها و مستشاران نظامی آمریکا لیسیم آمریکا مستقیماً در رابطه با سرکوبی نیروهای انقلابی السالو دور قرار گرفته اند. این ایش کمکهای نظامی و اقتصادی به نهایت درجه خود رسیده است. با انتخاب "هوزه خابلسون" به ریاست جمهوری السالو دور و بردهان هفته اول بعد از پایان سانس انتخا جات آمریکا کمک نظامی به مبلغ ۷۵/۶ میلیون دلار به دولت جدید پرداخت و بدین ترتیب تاکنون ۲۴۴/۵ میلیون دلار برای سال ۱۹۸۴ از طرف آمریکا لیسیم آمریکا به دولت السالو دور ارسال گردیده، و برای سال ۱۹۸۵ این کمکها تا ۱۳۲۵ میلیون دلار در نظر گرفته شده است. دولت آمریکا بارها اعلام کرده است که هیچ گونه اجازه ای برای پیروزی



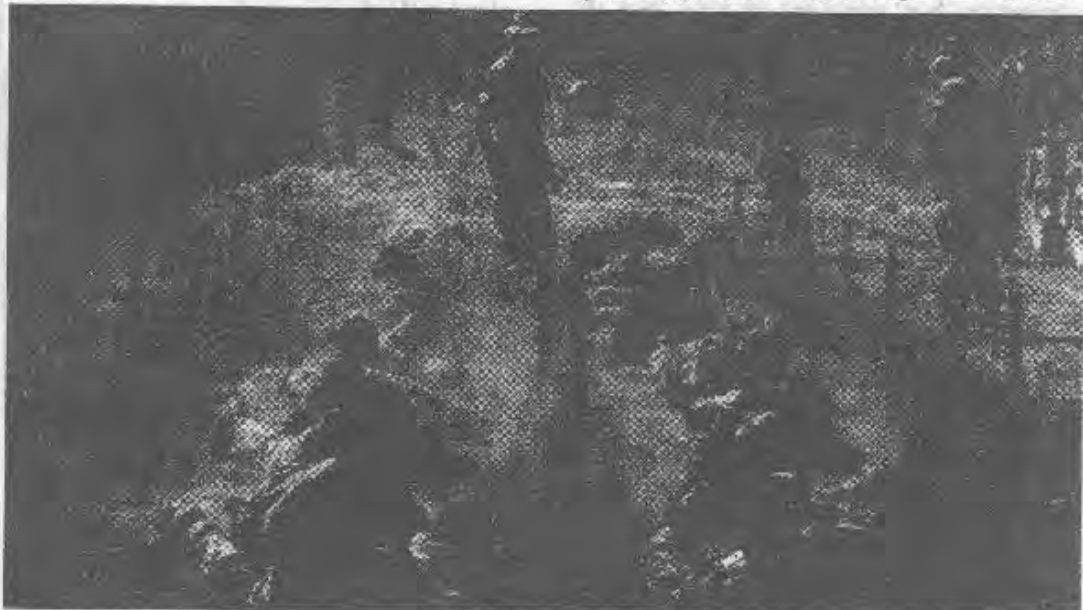
بمباران مناطق مسکونی درناحیه ((گازاپا و لکاتو)) در السالو دور

F.M.L.N. و I.D.E. داشته خواهد شد.

کارت‌های نظامی آمریکا اخیراً از ۵۵ نفر به ۹۷ نفر افزایش یافته است و این عمدتاً بخاطر ضعف شدید ارتش دولتی السالوادور و گسترش نیروهای انقلابی F.M.L.N. میباشد. مزبوران بولتی السالوادور ترکیب‌های هندوانی تحت آموزش نظامی قرار دارند و هرکس چهار سال گذشته از ۱۴ هزار نفر به ۳۹ هزار نفر افزایش یافته است. از سال ۱۹۸۱ تا کنون نیروهای دولتی دائماً بر حالت دفاعی قرار داشته و هنوز نتوانسته‌اند از حالت دفاعی خود خارج گشته و به تهاجم بر علیه نیروهای انقلابی دست یابند. عملیات F.M.L.N. استفاده از آتش فشان، تخریب، انفال شهرها و عملیات مشابه دیگر باعث خسارات زیاد و عقب نشینی ارتش دولتی السالوادور گشته است.

اولین حرکت پیروزمندانه F.M.L.N. در اکتبر ۱۹۸۱ صورت گرفت و در حال حاضر $\frac{1}{3}$ منطقه تحت کنترل آنها قرار دارد. F.M.L.N. در چنان قدرتی است که میتواند عملیاتش را مانند تصرف باگان‌رال با راسیون‌ها مس

۱۹۸۱ و با انفجار مدیرونگرانسه در ۲۸ ژوئن ۱۹۸۴ را پیروزمندانه انجام دهد. در مقابل این توسعه و گسترش جنگ انقلابی دولت نظامی السالوادور به بسیاری از کربل مناطق مسکونی پرداخته تا بلیس و سیاه از کمک توده ها به F.M.L.N. جلوگیری نماید. از ماه ژانویه تا ماه مه ۱۹۸۴ بسیاری از مناطق مسکونی ۱۳۷ بار توسط نیروهای دولتی صورت گرفته است. تا توانی ارتش ضد انقلابی السالوادور در مقابل انقلاب با مدت گشته تا امیرالیم آمریکا هر روزها است مستقیم خود را بیشتر کند. در آوریل گذشته ما سور نظامی (گرسا درو - ۱) توسط ارتش السالوادور ارتش هندوانی و ارتش آمریکا در چند مایلی مناطق تحت کنترل F.M.L.N. صورت گرفت. در این مانور نظامی ۱۸۰۰ گروه نظامی آمریکا دست به تمرین نظامی زدند. نیروهای F.M.L.N. می گروه ها و دستجات خود را برای مقابله و جنگ علیه هرگونه تهاجم و اشغال گری به خاک السالوادور آماده کرده است.



آموزش سربازان السالوادور در هندوانی توسط مستشاران نظامی آمریکایی

نوشته رفیق صدبهرنگی

آقای چوخ بختسپار

آقای چوخ بختسپار خلی رنج میرد، اما نه مثل گاليله و صادق هدایت نوی رنج میرد که چراغسلان همکلاش یک رتبه یا لاشراز اوستوبیا چرا با هناقش طانسه دوطبقه دارد او یک طبقه .

بزرگترین آرزوییش داشتن یک ماشین سواری است از نوع فولکس واگن، و انتقال به تهران، پایتخت، برای اینکه به آرزوییش برسد بخود حق میدهد که مجبیرا فولکش را بگوید، وقت زادن رنش بظانهاش برود و تحفه ای برود.

بیش از ازدواج گاه گذاری بیانه ای می هم میرد، اما بعد از نیش اینرا قذفن کرد، از اداره یکراحت بظانهاش میآید، صرعا گاه گاهی همراه رنش به سینما میرود، این دودوستها رصحت فیلمهای ایرانی هستند، میگویند فیلم ایرانی هر قدر هم مزخرف باشد آخر سر مال وطنمان است، چرا بولمان را به جیب طارچیبها بریزیم؟

زن میگویند مثل هر بیسته های فیلمهای وطنی خود را بیآربدو لباس بپوشد، توظانه با کفش پاشنه بلند راه میرود و شورت طوسی بگاز میرود، چه اثر را غارسی یاد داده است فقط، مثل اینکه هر دو معتقدند که ترکی حرف زدن مال آدمهای بیسواد و امل است .

گاهی از پزله خانوادگی هم دم میزنند، و آن بزخنی است که سرکوجه آنها مطب دارد در همسایگی آنها خانه، همیشه لحذا بیشر او میروند که آقای دکتر سر بچه مان درد میکند، برایش آسپیرین تجویز میکنید یا سارچمن؟

یک سخن خواب دونفره دارند، هیچ شبی جدا از هم نمیخواهند، با اینکه فعال است زن وشوهرند، فقط یک بچه دارند، دروا درمان میکنند که بچه مان نشود، بولمان را در بانگ ملی ذخیره میکنند، میخواهند

هر اتفاقی میخواد میفتند، هر بلایی میخواد نازل شود، هر آدمی میخواد سرکارها پیدا، در هر صورت آقای چوخ بختسپار من خیالش نیست، بشرطی که زمایش به او نرسد، کاری بکارش نداشته باشد، چیزی ازش کم نشود، رئیس خوب است که فیس او را ندیده بگیرد و دستمقیهای او را صاحب خدمت مادقانه بگذارد، وزیر خوب است که برای او ترسیع رتبه ای و پولی در بیاورد.

زندگی او مثل خوش آرمی است، به هیچ قسمتی خاطر نیست سنگی توخولش انداخته شود و آیش چین و چروک بردارد، آدم سربراه و پابراهی است، راغی نمیفود حتی با موروی اخلاف پیدا کند، صبح با میشود بهسراء زن و بچهاش صبحانه میخورد و بعد به اداره اش میرود، حتی با بقال و قصاب سرگدر هم سلام و طلبه گرم و حساب میکنند که لید راگران حساب نکنند و گوشت میآستخوان بچش بدهد.

وی معتقد است که در اداره تنها بد حرفی با لای حرف رئیس گرفت و بر دسر ایجاد کرد.

کار انداز میخونی پول در آوردم برای گذرانستن زندگی، پس چه خوب که بکوشد تا کمی حرفش نشود و زندگی آرامش بهم نخورد، معتقد است که حرف و کله - حتی آنقدرها هم ارزش ندارد که بظان طرش بارشس و وزیر در افتاد.

و برای اینکه او را آدم بخت و بس محصنیتانند، بجای حرف و کله تالی کلمه زندگی را میگذارد که حرف گفته ای زده ما شد و هم خود را تبرئه کند، نوی زن و بچهاش را خلیسه دوست دارد، همیشه میترسد که صبا دا بلای سر آن بچها بیاید، یا بهر پرست بمانند، دل مشغولیش اینست که نکند بارشس اخلافی پیدا کند و از کار برکنار شود و آنها از گرسنگی بمیرند.

۱۵ ماه از صفحه ۱۱

و علیرضا شایخدل به رفیق پویان معرفی میگردد. در
 در 'اواخر تابستان ۱۳۲۷ رفیق پویان همراه رفیق
 دیگری هارم شیرین گشته ولی در همان زمان خورشید است
 رفیق محمد بهرنگی به آستان میرسد. رفیق پویان با
 رفقا بهروز دهقانی و علیرضا شایخدل و مناد فلکی
 تبادل نظر کرده و یکماه پس از تبادل نظر رفیق محمد
 شاخه شیرین در زمان چریکهای فدائیان خلق ایران را به
 خود می‌آورند.

در سال ۱۳۲۹ اولین عملیات مطبوعاتی شاخه شیرین با
 حمله به کلاشتری شیرین صورت گرفت. این رویداد
 بخوبی واقعیت فعالیت‌های ضد و هموفی ایران را
 منی مبارزه مطبوعاتی نشان میدهد و این به
 هنگامی برای ما بیشتر روشن می‌گردد که به گفته رفیق
 بهروز دهقانی پس از ماهی ۱۰ مله کلاشتری توجه
 بی‌افکنیم. او می‌نویسد: "قرآن آقوس که رفیق محمد
 زنده نبود تا در ماهی ۱۰ مسلسل کلاشتری شرکت کنی
 آرزویش را تحقق یافته ببیند". آرزوی که در کتاب
 "۲۴ ساعت در خواب و بیداری" از زبان بهرام شملید
 و کا رگر زحمتکش بنام "لطیف آفرینش بیان میدارد که
 "ایلم میخواست تا مسلسل پشت شقه مال من باشد".

بررسی مدتهاست زندگی و امیال و آرزوهایش را
 در جهت آگاهی و پرورش روحیه انقلابی بوده همگی
 زحمتکش نشان کرده. چنین است که نشانه تمدن بهرنگی
 در هر بخش از جنبش انقلابی دیده می‌شود. تا پیش
 لوح سرخ فرهنگ انقلابی ایران حلا شده و نوشته‌هایش
 آگاهی دهنده بوده‌های زحمتکش و کودکان محروم جامعه
 ما خواهد بود.

نمایش زنده و خاطره‌انگیز او در راهش پرورده باد!

ما این شخص بخیرند. آقای چرخ بختیار هم اکنون
 مشق را زندگی میکند. سرگرمش همین است.
 به ظاهرات کتاب خواندن میدان میکند. به علاوه
 میگوید نوی کتابها افکار خودنقشی بیان میشود که
 بهرمنمیبخورد و تا ارض فکری تولید میکند. اما گاه و
 بیگاه یکی از جمله‌های هفتگی را خریدن برای هرگرمی
 بهمنیت. آموزنده هم هست. زنی از قسمت مد لباسی
 و آرایش استانه میکند و خودش هم جدولش را عمل
 میکند و بعضی گزارشهای مربوط به زندگی هنرپیشگان
 سینما را میخواند و برای اینکه سوادش زیاد شود گاهی
 کتابهای "ادبیات اجتماعی" میخواند. مثلا کتابهای
 جواد فاضل را که شنیده است همه "ادبیات اجتماعی"
 است. فردوغان هم شنیده پرویاقرص داستانهای
 رادبوشی هستند همیشه با آن قلب پای رادبیر میگردد.
 هفته‌ای دو بلیط بخت آزمایی هم میخرند که برنده
 جایزه ممتاز شوند.

مذهب را بدون چون و چرا قبول دارد، طاهر
 نیست در جزئی ترین قسمت آن که روا دارد. اما فقط
 روزهای نوزده تا بیست و یک رمضان روزه میگیرد و
 نماز میخواند.

آقای "چرخ بختیار" راهی می‌شاند و دیده‌اند.
 وی در همایی من و شما و همه زندگی بهرنگی
 را میگذرانند و خود را آدم خوشبختی می‌دانند.



سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

**کمکهای مالی
دریافت شده برای
چریکهای فدائیان خلق ایران
(ارتش رهاییبخش خلقهای ایران)**

با شعر: سیمین

۲۰ سینه طرح
۲۰ از قلم

آبشن

۲۰

مسوری

۲۰

فیثه دلخیا

۵۰ م - ب

۱۰ ن - ج

رفیق کبیر

۵۰۰ عمده لرحم مسوری

لسون

۲۰ یا کسار

گلوتسون

۲۵ رفیق گلبرخ

۲۵ با زینار

۲۵ میمی

۲۰ یا کسار

۲۸۹ م

۲۵ رفیق سهرسوی / بزه خصی

۱۰ صا طوق طرح

۲۰ ستون چریکی سنگل

۲۰ م - جنگل

خوستون

۱۰ نسیم

۱۰ ۱۵۷

۵ ک - کریمستان

۲۰ بی زین

۲۰ خدی جوت

۲۰ صبه مرخان

رفیق کبیر

۲۰ عمده لرحم مسوری

۵ م - کریمستان

۲۰ ج - آرا دی

۵۰ م - صا حقل

۲۰ روش

۲۰ سلطا نیور

۲۵ مرگا سرحمیمی

۲۰ ج - انقلاب

۲۳ ۱۲۲

سیکا گور

۵۲۵ حمیده موسی (۱)

وا شکست

۲۵ وا خلق شکستن

سورتک

۵

رفیق کبیر

۱۸۰ عمده لرحم مسوری

رفقا ، هموطنان مبارز!

چریکهای فدائیان خلق ایران (ارتش رها شیبخ خلقهای ایران) که برای گسترش جنگ انقلابی بر علیه امپریالیسم و رژیم وابسته جمهوری اسلامی به مبارزه خونین خود ادامه میدهند ، در اوضاع بسیار بحرانی کشوری برای پاسخگوئین به وظایف انقلابی خویش در فعال خلقهای تحت حتم جامعه مان بیش از پیش نیاز به کمکهای مالی شما داریند .

کمکهای خود را (با کد) به نشانی شریه ساهکل و یا به هر طریق که میتوانید فر اختیار سازمان فرار مهربانند .

سازمان دانشجوئی ۱۹ سپتامبر آمریکا
طوبه دار چریکهای فدائیان خلق ایران
(ارتش رها شیبخ خلقهای ایران)

سیاهکل

شریه سازمان دانشجوئی ۱۹ سپتامبر آمریکا
چریکهای فدائیان خلق ایران (ارتش رها شیبخ خلقهای ایران)

برای حمایت مادی و معنوی خود با آدرس زیر با امانت بگیرید:

سیاهکل

SHAHKAL
P.O. BOX 18416
HOUSTON, TX 77223



آرشیو فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران